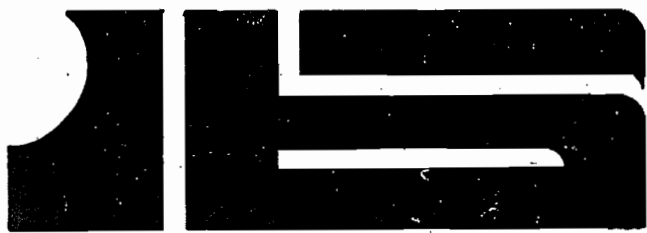


قانون اساسی باید منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران را تضمین کند



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۸

سال اول - شماره ۲۵

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

قیمت ۱۰ ریال

فقط لیست ده نفری در کنار صندوقها و اطراف حوزهها مشاهده می شود

● قلب در اکثر حوزههای رأی گیری دیده می شود



در روز رأی گیری بر خلاف تمام اصول و موازین انتخاباتی پوسترها و اعلامیههای گروه ده نفری در تمام حوزههای انتخاباتی به چشم می خورد. مأموران رأی گیری به مردم می گفتند باید به این ده نفر رأی بدهید

انتخابات مجلس خبرگان در محیطی کاملا غیر مکرراتیک و در فضایی سرشار از غرض ورزی، تنگ نظری و جبهه گیری، زیر نظر مأموران «حزب واحد» و با حاکمیت مطلق تبلیغات این حزب و اعمال نفوذ گردانندگان این باصلاح انتخابات برگزار شد. با این که نیروهای مترقی «شبهه کار» را از قبل پیش بینی می کردند و می پنداشتند که شکل چنین انتخاباتی نمی تواند از مستحای آن جدا بقیه در صفحه ۷

سخنان کاندیداهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (که از رادیو و تلویزیون پخش شد)

سخنان حشمت الله رلیسی - کاندید سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در انتخابات مجلس خبرگان
از صدای جمهوری اسلامی ایران
با درود فراوان به خلقهای قهرمان ایران! من در یک خانواده کارگری پدیا آمدم و از ۱۳ سالگی در شرکت نفت آغاچاری بکار مشغول شدم شرکت نفت در آذربایجان، محل مبارزترین و زحمتکشترین کارگران ایران بود. کارگران در جریان مبارزاتشان همواره دادند که طبقه کارگر هر چه بیشتر بتواند، بیشتر بیندیشد و در جریان مبارزه تجربه کند. کندی بیشتر به خلایق و توانائی خود و طبیعتش آشنا خواهد شد و بیشتر از سرمایه داران و

سرمقاله

مهندس بازرگان ابقاء قراردادهای اسارت بار با امپریالیست ها را به نفع مملکت و مردم می داند

مهندس بازرگان رئیس دولت موقت که بدنبال انشای اسناد خیلی خیلی محرمانه در باره ابقاء قراردادهای نظامی با امریکا، از جانب روزنامه کار، ایراد شده آنچنان ماهیت برنامهها و اقدامات او را فاش کرده که حتی آنها لیکه ازوی جانب داری می کردند بی ماهیت دولت موقت بردند او در پیام خود نشان داد که دولت آنگر در وابستگی به امپریالیست رفته است که بالاچار اعتراف می کند که قراردادهای رژیم سابق با امپریالیست را ابقاء کرده است. آقای بازرگان گفت «این قراردادها شامل انواع قراردادهای تسلیحاتی، خدماتی، فنی و غیره و سفارشات و آذوقه بوده که با از بین بردن فعالیت های اقتصادی و کشاورزی محتاج به آنها بودیم و اصولا بسیاری از این قراردادها ضد مملکت و خلاف بوده بلکه برای بالا بردن سطح فنی و اقتصادی و نظامی و دفاعی مملکت بوده است...» (نقل از اطلاعات پنجمین ۱۱ مرداد ۱۳۵۸)

آقای بازرگان برای قریب توده های مردم بهزار توجیه و تفسیر متوسل می شود تا ثابت کند که گویا ابقاء قراردادهای رژیم سرنگون شده با امپریالیستها نفع مردم مملکت است. اما مردم آگاه ما می دانند که این حرفها همانند استدلالهای رژیم گلشنه است. بازرگان میخواهد حتی رژیم منصور پهلوی را نیز تیرله کند و قراردادهای اسارت باری را که این رژیم با امپریالیستها منعقد ساخته است نفع مملکت و مردم جلوه دهد. گویا که رژیم مزدور سطح فنی و اقتصادی، نظامی و دفاعی مملکت با امپریالیستها منعقد کرده است! این استدلال واقعا مضحک و غوامز فریانه است. زیرا که تنها دارنده دولت بازرگان و سرمایه داران وابسته می توانند چنین استدلال کنند که قراردادهای رژیم سابق با امپریالیستها ندرجهت غارت و استثمار مین ما بلکه بخاطر پیشرفت مملکت و خدمت به خلق! منعقد شده است. خلقهای مبارز ما خوب میدانند که قراردادهای مختلفی که رژیم در زمینه های اقتصادی بقیه در صفحه ۷

نحوه برگزاری انتخابات «مجلس خبرگان» نیز گامی دیگر در جهت پایمال کردن حقوق دمکراتیک زحمتکشان و خلقهای ایران بود

کننده نظیر رئیس جمهور و شورای باصلاح لکهای حق حاکمیت مردم بر سر نوشت خویش را یکبار به حراج گذارند. در یک کلام مضمون و محتوای انقلاب شد امپریالیستی و مکرراتیک مردم ما را در نظر گرفته و گوئی که چنین اهدافی در متن جنبش و قیام وجود نداشته است. اما پیاده کردن این برنامه، یعنی سرهم بندی بقیه در صفحه ۵

ما طی مقالات جداگانه غلط و انگیزه ای را که هیئت حاکمه در سرهم بندی کردن مجلس باصلاح خبرگان بجای مجلس موسان برای تنظیم قانون اساسی داشت، توضیح دادیم. ما ثابت کردیم که انگیزه آنان ساختن و پرداختن یک قانون اساسی است که سیستم سرمایه داری را دست نخورده باقی گذارد. حقوق و آزادیهای دمکراتیک مردم ایران را نادیده انگارند. و با ایجاد قدرتهای اجرائی و کنترل

۱۴ مرداد یادآور انقلاب مشروطه انقلابی که سرانجام سندس خورد

۱۴ مرداد سال ۱۲۸۵ هجری شمس روز صدور فرمان مشروطیت بود. در حقیقت این روز، روز تظاهر سازش بین بورژوازی تجاری و فئودالیسم بود. روزی بود که تجاره که از نظر اقتصادی قدرتی پیدا کرده بودند و می خواستند متناسب با آن در دولت هم سهم داشته باشند، موفق شدند و توانستند از نماینده فئودالها (مظفرالدین شاه) مهر تأیید بگیرند. در انقلاب مشروطه چه کبانی شرکت کردند؟ مبارزه را توده ها کردند. آنها بودند که بکسب نشسته، آنها بودند که گرسنگی و سختی محاصره و جنگ را تحمل کردند، آنها بودند که بهنگام بتوپ بستن مجلس در زمان محمد علی شاه بدفاع پرداختند و کشته دادند، آنها بودند که در تبریز برهبری انجمن غیبی وبه بقیه در صفحه ۵

چرا نظامیان آزادیخواه کرمانشاه دستگیر و زندانی شدند

ما بهشم می بینیم که در انتها دولت، دولتی انقلابی نیست بلکه دولتی است سرکوبگر که در مقابل دیوانسالاری چما مانده از رژیم پهلوی مات و میوهت مانده و محسود را رو در روی کارگران و دهقانان و زحمتکشان قرار داده که رهبری خود را از زمین شتم انتشار و انتشار در بهم ریختن آن دستگاهها و دیوانسالاری و سوبوط و سوبوط خاک بر آنها می بینیم. ارتش چما مانده از رژیم ساقط شده بقیه در صفحه ۶

بعد از قیام پرشکو ۲۲ بهمن که خون ۱۶۵ هزار فرزند دلیر خلق قهرمان مینا پشترانه آن بود توده های تحت ستم و افتار زحمتکش خلق انتظار داشتند که دولت موقت انقلابی آهنگان روشی در پیش گیرند که طومار سرمایه داران وابسته، طبقات چهارحاکم بر جامعه و امپریالیسم دمنش حامی آنها در هم بریزد و خلق بیا خواسته بر سر نوشت خود حاکمیت یابد. اما اینک پس از گذشت هفتاد و یک روز از قیام قهرمانانه، توده های مبارز مین

سیاست دولت در میروان

این گزارش قسمتی از جزوه تحت عنوان فوق می باشد که توسط دفتر هواداران سازمان در سنجش منتشر شده است.
بدنبال درگیری روز ۲۳/۴/۵۸ بین مردم میروان و پاسداران، مردم برای جلوگیری از هرگونه حادثه های بزرگتر شهر را تخلیه کردند. تخلیه شهر دقیقا در اطلاعیه منتشره از جانب شورای موقت انقلاب شهر میروان منعقد شد. بیش از ۹۵ درصد از مردم میروان شهر را ترک کرده در شهرستانها یا دهات اطراف وعدهای نیز حدود ۵۰۰۰ نفر در ۱۵ کیلومتری میروان در جاده با شاق مستقر شدند. آوارگان اغلب بیسارند، کلبه دکنر شدت احساس میشود. در این مدت کتکهای داورویی و غذائی از شهرستانها توسط نیروهای مترقی و نمایندگان مردم میروان فرستاده شده است ولی تاکنون نه تنها دولت هیچگونه اقدامی در جهت حل بقیه در صفحه ۶

فعالیت های خستگی ناپذیر و صادقانه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیروبخش همه انقلابیون راستین است

اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در روزهای پیش از انتخابات و در جریان توضیح نظرات سازمان و بخش اعلامیهها و تراکت های سازمان، با برخورد های هشیارانه و با تانت و بردباری انقلابی، رشد سیاسی خویش را به اثبات رسانند و نشان دادند که پیشاهنگان راستین خلقهای قهرمان ایران اند.
حملات گروههای انحصارطلب بر فضای ما و پاره کردن اعلامیهها و تراکت های سازمان در روزهای پیش از انتخابات، اعضا و هواداران سازمان را در توضیح نظرات سازمان برای همپیمانان و بخش و توزیع و نصب اعلامیهها و تراکت های سازمان مصمم تر ساخت. ما ضمن ستایش از این همه فعالیت خستگی ناپذیر و صادقانه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که خودنیروبخش همه انقلابیون راستین است، از رفقا و دوستانی که در این چند روز فعالیت داشتند، می خواهیم که تجارب خود را جمع بندی کرده و برای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ارسال دارند.

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران
مختار وزیر
بخش تبلیغ و نشر رسانه
تیمسار سررتیب تقی ریاحی
وزیر دفاع ملی ایران
موضوع - ابقاء قراردادهای پشتیبانی آمریکا
عناقا، بنامه شماره ۱۷/۹۸/۱۰۱/۱۴۰۱/۳۰۲ - مؤرخ ۱۳۵۸/۴/۱۲ - اشار میدارد.
۱- با ابقاء قراردادهای مندرج در پیوست دو به شرح پیشینداری موافقت حاصل است.
۲- در مورد قراردادهای مندرج در پیوست یک، موضوع تحت بررسی و تصمیم متخذه متعاقبا اعلام خواهد شد.
مختار وزیر
مهدی بازرگان

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

ناتیم و با همه تبلیغات ضد مردمی رژیم مغرب
چلوی که می میکرد با خنده و تبریک و
خواهنش نهن کارگران رانیت به انقلابیون
واقعی و مدافعین راستین طبقه کارگر و
خود ما را از سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران دور سازد. اما همان ابتدا دریافتیم
که اهداف و آرمانهای ما با اهداف
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
یکی بوده و دانستیم تنها راه نجات،
پیوستن به این سازمان انقلابی و آتش‌پایز
میباشد این بود که پس از آشنائی با اهداف
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و پی بردن
به صداقت انقلابی چریکهای فدائی خلق که
جریان مبارزاتشان به اثبات رسیده بود، تلاش
جدیدی را آغاز کردیم و در جهت آگاه کردن
دیگر کارگران، با بخش اعلامیه‌ها و جزواتی
که خود تهیه میکردیم به نشان دادن این سازمان
در سطح کارخانه پرداختیم.
نوشته‌ها و آثار سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران را در بین کارگران و دیگر
زحمتکشان توزیع می نمودیم و چون به این
اصل متقدم بودیم که کارگران باید هر چه
بیشتر کتاب بخوانند بیشتر بیاندیشند و علم
رعایتی خود را بیاموزند، همواره در سند آن
بویژه که با ارتباط با سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران نقش فائزتری را در مبارزه داشته
باشیم.

آیا شنیده‌اید سرمایه‌دار درد اجاره نشینی و بی-
خانمانی کشیده باشد؟ یا شش ماه دنبال کار
بگردد که در یک کارخانه‌ای، جانی ششلی
بند آورد و استخدام شود و لقمه نان برای زن
و فرزندش تهیه کند؟ اگر قدرت در دست
سرمایه‌داران باشد و آنان در حکومت باشند،
همه‌ها حق زبردست پایمال می‌شود و کارگر
و دهقان و کاسب و سرپاز و آموزگار چیزی
نمی‌تواند نخواهد شد. حالا می‌خواهد قانون
انقلابی همین قانون اساسی باشد یا غیر از این
باشد. گذشته از این مطلب، ما معتقدیم که
همین پیش‌نویس قانون اساسی اصلا منافع
طبقه کارگر و طبقات پایین جامعه را در نظر
نگرفته است. هدف این پیش‌نویس حفظ همان
رژیم سرمایه‌داری بوده است. سراسر این قانون
هیچ اشاره‌ای به حقوق طبقه کارگر نکرده است.
حق امتصاب که از ابتدائی‌ترین حقوق و حربه
مؤثر طبقه کارگر برای دفاع از منافع خود در
برابر سرمایه‌داران است، در پیش‌نویس قانون
اساسی از کارگران سلب شده است. حق داشتن
کارمناسبت، حق طبیعی هر انسانی زننده است.
قانون اساسی این حق کارگران را پایمال
کرده است هر عضو جامعه باید حق داشته باشد
مسکن مناسب برای زیست خود داشته باشد،
قانون اساسی باید این حق مردم را به رسمیت
بشناسد.

سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران چه میگوید؟

سازمان ما در سخت‌ترین شرایط تاریخی و
در سیاه‌ترین سالهای دیکتاتوری قد علم نمود
و هر چه مبارزه علیه دیکتاتوری و امپریالیسم را
برافراشت. بنیان‌گذاران سازمان چریکهای
فدائی خلق و ادامه دهندگان آن در یک
مبارزه طولانی در شهر روستا و در جنگ‌های
هوا، در بیدارگاههای نظامی و در میدان‌های
تیرباران از حقوق تمام خلقهای ایران در
برابر دیکتاتوری کثیف شاه مطلع دفاع
می نمودند. در طول قیام سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران و پیشاپیش آنها در
قیام شرکت جست و در ۲۲ و ۲۳ بهمن هرماه
با توده عظیم خلق به کمک همافران مبارز
شتافت. تا دیکتاتوری شاه را بگور سرد واز
این طریق برگه زلفی از فدائیکاری بر تاریخ
خوبیاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
نوشته شد. بعد از قیام نیز در کنار زحمتکشان
و دیگر خلقهای ایران با بنیادین ارتجاع و عوامل
امپریالیست بیچاره برضاست. در شرایط
کنونی، عیدای ما را متهم می‌کنند که از همه
چیز ایران می‌گیریم، بقول معروف همیشه
منفی‌بافی می‌کنیم. ما می‌گوییم اینها حرف
کسانی است که می‌خواهند نگذارند مردم
آگاه شوند، تا بدینوسیله رژیم سرمایه‌داری
حفظ کنند. ما می‌گوییم حکومت باید بنیادین
نمایندگان کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان
مثل سرپازان و رده‌های پایین ارتش سپرده
شود. مردم ما بیاد دارند، که در طول مبارزات
پرشکو خلق، در جریان قیام، کارگران در
کارخانه خورا تشکیل دادند و اداره امور را
صحت کنترل خود گرفتند، سرپازان نیز در
ارتش کوشیدند با ایجاد شوراهای نظامی
امور پادگانها را خود بست گیرند. ما اکنون
در بسیاری از روستاهای ما شوراهای دفاعی
تشکیل شده است. در ادارات دولتی نیز
کارمندان در اکثر جاها خورا تشکیل دادند.
و در سنت نفت کارگران و کارمندان آگاه
و مبارز که با امتصاب حبابه آفرین خود
لوعالی نفت را بستند گلولی استبداد را
فترند و راه را برای پیروزی خلقهای ایران
بر رژیم شاه را کوشیدند. آنها با تشکیل شوراهای
و کنترل پالایشگاهها و تاسیسات نفتی، بلوغ
سیاسی خود را نشان دادند و در این زمینه نیز
پیشگام سایر نیروها بودند. و آنان ثابت‌نبودند
که می‌توانند بدون دخالت عناصر وابسته به
رژیم سابق، اداره امور را در دست بگیرند،
و نمونه بارز آنها می‌تواند در پالایشگاه‌های
آبادان و تهران مشاهده نمود. این کار-
کارگران و کارمندان شرکت نفت نشانه قدرت
و توان آنها در اداره جامعه و یکی از نشانه‌های
انگلی بودن و مفتخور بودن آن عناصر
زرد و وابسته به رژیم سابق بود. ما همه اینها
را به تجربه دریافته‌ایم. بر ما ثابت شد که تنها
شورای انقلابی کارگران است که هم منافع
منافع کارگران و نه کارفرمایان و هم قدرت
کنترل و اداره امور را داراست.
در زمان قیام سازمان چریکهای فدائی خلق

بقیه از صفحه ۱
ایران با رهنمودهای خود مردم را به آموختن
از کارگران منت نفت دعوت می‌کرد. سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران می‌گوید دولت
باید منتخب شوراهای کارگران و دهقانان
و سرپازان و دیگر اقشار زحمتکش خلق باشد.
قانون اساسی که رژیم حکومتی ایران را تعیین
می‌کند باید بنیادین نمایندگان شوراهای
انقلابی کارگران و دهقانان تنظیم شود. بنا
به فکر نمی‌کنیم نتایج کار مجلس خبرگان
سرمایه‌داران را از حکومت بدور اندازد و جای
آنها را به کارگران و زحمتکشان دهد. چون
مجلس خبرگان، مجلس نمایندگان کارگران
و دهقانان و زحمتکشان نیست.
با درود به همه خلقهای ایران
زحمتکشان ایران
مرگ بر امپریالیسم جهانی بمرکزگی
امپریالیسم آمریکا
پیروز باد مبارزات حق طلبانه خلقهای
ایران
حسنت‌الله رئیسی
کارگر مکانیک ماشین‌های سنگین پالایشگاه
تهران کاندیدای سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران - از تهران

سخن رقیه دانشگری:

با درود به خلقهای قهرمان ایران
من رقیه دانشگری کاندیدای سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران برای دفاع از
حقوق کارگران، دهقانان و کلیه زحمتکشان
ایران در انتخابات مجلس خبرگان شرکت
می‌کنم.
فصلت سیاسی من از سال ۲۲ شروع شد
و سال ۲۹ به سازمان پیوستم و سال ۵۵ توسط
مزدوران رژیم سابق دستگیر شدم طی سزای
بعثت سالها که در زندان بودم، از ترقیب
شاهد دلوریا و قهرمانیهای زنان مبارز
کشته‌ها، زنده‌ها و این یکبار دیگر ثابت می‌کنند
که بر خلاف تمام آن چیزهایی که تا الان
بما تحمیل کرده‌اند، زنان می‌توانند در تمام
زمینه‌ها پایاپای مردها شرکت فعالانه داشته
باشند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
معتقد که قانون اساسی یک کشور که حاصل
خوهای بیخبر مردم باید حتما پاسنگوی
نیازهای اولیه و کلیه نیازهای تمام زحمتکشان
کشور باشد و در مورد حقوق زنان متقدم،
زن و مرد در حقوق اجتماعی بهم برابرند در
حالی که قانون اساسی می‌گوید: زن و مرد در
مقابل قانون بهم برابرند این سؤال پیش
میاد که: کدام قانون؟ ممکنه قانون وضع شده
که حقوق زنان رو نادیده بگیرد، ممکنه
زنان رو خایه‌بین بکند، ممکنه اصل تمدن
زوجات برای مرد رو محترم بگیرد، ممکنه
حق طلاق رو از زن سلب بکند و ممکنه نذره
زن در فعالیت‌های اجتماعی شرکت فعالانه
داشته باشد. ما معتقدیم این قانون از اساس
نابرابری و در اصل ۲۲ در حقیقت بهایه
مادر بودن و زن بودن می‌خواهد زن رو خایه
نشین بکند. ما معتقدیم در جامعه‌ای که اساس
این جامعه بر نابرابری استوار یعنی یک جنس
هست که دائم می‌چاپ و یک جنس هست که دائم
دائم چاپیده می‌شود یک جنس هست که دائم
زحمت می‌کند: کارگران، دهقانان و همه
زحمتکشان و یک جنس هست: زمینداران بزرگ
و سرمایه‌داران که دائم می‌چاپ و دائم
حاصل دسترخی دیگران رو به غارت می‌برن.
این اساس جامعه بارو تشکیل میده و این
نابرابری باید از اساس ریشه کن بشه و برابری
زن و مرد هم فقط وقتی قابل اجراء است که
این نابرابری از بین بره. به نگاه کوتاه به
همین شهر تهران بندها، شمال شهر و جنوب
شهر مثل دو دنیا می‌مون: شمال شهر،
خوینده‌ها، زنهاش و باطل‌سازانهاش از
تمام امکانات برای پروراندن بچه‌های خودشون
برخوردارن. بچه‌هاشون از همون اول توی
بهترین زایشگاهها دنیا میاد: در زیر نظر
بهترین متخصصان رشد می‌کنه، بهترین مدرسه‌ها
خارج از کشور می‌رسن برای تحصیلات
دانشگاهیشون و در حالی که بچه‌های جنوب
شهر دائم توی خاک و غل می‌غلند و حتی
زمین برای بازیشون ندارن، امنیت ندارن،
بهداشت ندارن، حتی یک بقول معروف دسر
پناه ندارن. در حالی که تو قیام کی شرکت

کرده؟ همین پاره‌ها، همینایی که زحمت
می‌کنن شب و روز و به ادعای آقایون
سرمایه‌دارها، قابلیت هیچ کاری رو ندارند.
در حالی که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
می‌رسد: آیا همینها نیستند که کارخونه‌ها رو
می‌گردونن؟ زمینی بایر رو آباد می‌کنن؟
بازارو پاره میندازن؟ اداره‌ها رو اداره
می‌کنن؟ پادگانها رو می‌چرخونن؟ و در قیام
دلورانه شرکت کردن؟ کی بود که قیام رو
به پیروزی رسوند؟ کی بود که شاه رو از
همیناس کی بیرون کرد؟ همین پاره‌ها،
سیاسی رولدارن. ما معتقدیم تنها و تنها
نمایندگان واقعی اینها هستند کمی‌توتون‌قوانین
رو بنفع زحمتکشان تصویب کنن و تنها و تنها
این زحمتکشان هستند که می‌تونن در امور
سیاسی کشور شرکت فعالانه داشته باشن. اینها
قابلیتشون را در طول تاریخ به اثبات رسوندن.
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران معتقد
زمین باید مال اون کسی باشد که روش کار
می‌کنه، کارخونه باید مال اون کسی باشد که
توش کار می‌کنه، و سرمایه‌های کوچک در
مقابل سرمایه‌های بزرگ باید قوانینی بگذرونن
که حفظ بشه. زنا باید در تمام امور با مردا
یکسان باشن. زنا زحمتکش تو کارخونه‌ها
باید شوره‌خوارگاه و مهد کودک داشته باشن،
مزد مساوی با مردا بگیرن و تمام برابری‌های
زن و مرد رعایت بشه. هیچ قانونی از نظر
ما که این برابری رو به بره بکنه نیست.
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی
وابسته به آن
پیروز باد مبارزه زحمتکشان جهان
رقیه دانشگری - کاندیدای سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران

سخن مصطفی مدنی:

با درود به همه خلقهای قهرمان ایران
من مصطفی مدنی در این فرصت بسیار کوتاه
را که به سروشوت همه ما مربوط میشود باشا
منطرح کنم.
فدائیان می‌رسند آیا مجلس شورای ملی
مهمتر است یا مجلسی که قانون اساسی را
تعیین می‌کند؟ می‌کنند: کسانی که این پیش
نویس را تهیه کرده‌اند خودشان در اصل ۵۵
قانون اساسی گفته‌اند «در ۱۵۵ هزار نفر
جمعیت ایران می‌توانند یک نماینده بمجلس
شورا بفرستند این ترتیب مجلس شورای ملی
می‌خواهد براساس قانون اساسی، قوانین
عادی را تدوین کند، مجلسی که اهمیت کارش
بمراست کتر از اهمیت مجلسی است که می
خواهد قانون اساسی را تدوین کند. ۲۷۵

بگذارند، از ورود نمایندگان واقعی آنها می
ترسند.
چرا فقط خبره؟ خبره، درجه، خبره در
خرانی؟ از نظر ما خبره کسی است که در دفاع
از کارگر، سرپاز، دکاندار، دهقان، دانشجو و
مسلم در برابر سرمایه‌داران و اربابان
امپریالیست آنان خبره باشد، خبره کسی است
که در کوره مبارزات خلق آیدینه دیده باشد.
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران معتقد
است این یک مجلس انصار طلبانه است. پیش
از ۹۷ درصد مردم این کشور کارگر، دهقان،
بازاری، ودانشجو، مسلم سرپاز، راننده، و
کارمند و از این قبیل هستند آفتاب بینند
چندتا از کرسی‌های مجلس پایانه خواهد
رسیده از خود اینها چند نفر بمجلس می‌روند؟
نتیجه کار این مجلس از قبل معلوم است که
چیت؟ مجلسی که از ۹۷ در صد مردم
کسی در آن نباشد معلوم است که نتیجه‌اش
چه خواهد شد. با توجه به تبلیغاتی
که برانداخته‌اند هنوز همه مردم از محتوای
قانون اساسی چیزی نمی‌دانند و چه با که به
آن رای هم می‌دهند ولی در آینده صلا آرا
خواهند شناخت. و آرا مخالف منافع خود
خواهند یافت. علاوه بر همه اینها، کارهای
دیگری هم کرده‌اند که حتی یک نفر مخالف
این پیش‌نویس هم نتواند وارد همین مجلس
۷۵ نفر بشود، ببینید چطور، خیلی ساده راه
ورود را بسته‌اند:

عده‌ای که انتخاب میشود ۷۵ نفر هستند
یعنی طبیعتا هر ۲۵۵ هزار نفر رای دهند باید
یک نماینده انتخاب کنند ولی می‌دانید چه
کرده‌اند؟ گرداندگان امور بجای اینکه اعلام
کنند هر کس که ۲۵۵ هزار رای بیاورد حق
ورود بمجلس خبرگان را دارند. گفته‌اند
حائزین اکثریت حق ورود بمجلس خبرگان
را دارند مثلا در تهران چون هر کس بده
نفر رای میدهد دختر اول که مثلا کسی
پیش از یک میلیون رای می‌آورد انتخاب
میشود اما نفر یازدهم اگر ۵۰۰ هزار رای
هم بیاورد انتخاب نمیشود. یا اگر در تهران
دو حزب وجود داشته باشد و یک حزب ۲
میلیون رای بیاورد و حزب دیگر یک میلیون
رای از حزب دوم هیچ نماینده انتخاب
نمیشود.
این کارها را برای چه می‌کنند؟ آیا جز
برای اینکه مخالفین این پیش‌نویس نتوانند
حرفشان را بگویند مردم برسانند در حرف
مدعی میشوند ما مانع ورود مخالفین پیش
نویس بمجلس نمی‌شویم ولی در خلقت راه
را برای انتخاب نمایندگان یک دسته باز می
گذارند. این یک حق کثی آشکار است. این

ما می‌گوییم همه زحمتکشان ایران، همه مردم ایران باید شغلی
داشته باشند هیچ کس نباید بی‌کار باشد. همه مردم ایران باید
مسکن مناسب و یابد زندگی راحتی داشته باشند.

انصار طلبی محض است. این راه انداختن
مجلسی است که مخالفان حق‌ورود به آرا ندارد
نتیجه این حقه چه میشود؟ مثلا ترکن صحرا
را با مالداران قاطی کرده‌اند تا نمایندگان
خلق ترکن حتی اگر رای همه خلق ترکن را
بیاورد باز هم بمجلس نرسانند. یا از
مهاباد و برخی شهرهای کردستان که فخرانه
جزء آذربایجان غربی تقسیم بندی شده کسی
بمجلس راه پیدا نکند. ما باید همه این حرفها
را به مردم رژیم تا بدانند چه مجلس می‌خواهد
آنها را حفظ کند.
حالا ببینیم این انتخابات در چه شرایطی
برقرار میشود:
در روزهای گذشته کسانی که حرف حساب
را قبول ندارند کسی که کله دیگری چر
پاره کردن اعلامیه‌ها و بیابانهای نیروهای
انقلابی و حمله به اجامات مردم و آتش زدن
وغارت کتابخانه بلد نیستند به اهل ارتجاعی
خود افزودند و هر جا که طرفداران طبقه
کارگر و دهقانان، هر جا که مخالفان مردم
اجتماعی تشکیل دادند کسی کسرند یا
هوچیکری و وحیا، اجامات مردم را به
زنده و اعلامیه و بیابانهای سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران را که برای آگاهی مردم
میدوزان لب میشد پاره کردند، مگر ما چه
می‌گوییم؟ ببینید سرمایه‌داران و عوامل آنها
چقدر از حرفهای ما می‌ترسند؟
ما می‌گوییم همه زحمتکشان ایران، همه
مردم ایران باید شغلی داشته باشند هیچکس
نباید بیکار باشد همه مردم ایران باید خانه
مناسب داشته باشند همه مردم ایران باید زندگی
بچه در صفحه ۳

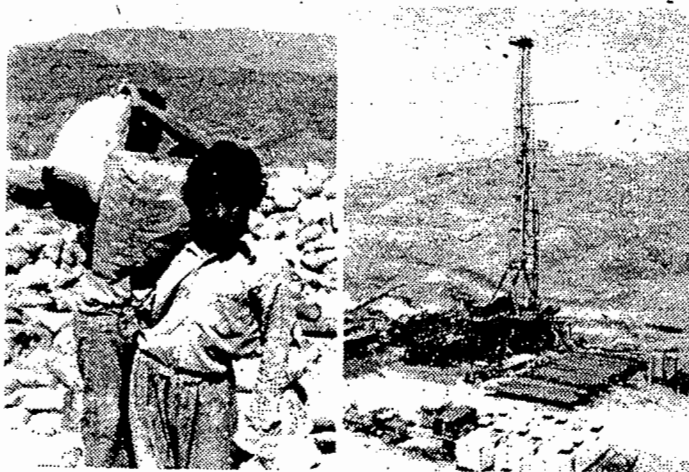
پیش‌نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است

نامه يك کارگر اخراجی:

«دولت باید بداند که نمیتواند جلوی حرکت تاریخی کارگران را بگیرد»

نمی‌دانم چکار کنم از بیکاری واقعا شدم. وقتی که از دردهای خودم صحبت می‌کنم. بمن حمله می‌کنند که چرا دم از مشکلات کارگری می‌زنی، شما نفاق‌افکن هستید و هزاران تهمت ناروای دیگر می‌زنند. من خوب میدانم آنهایی که فعلا خوششان را انقلابی جا زده‌اند و مارا ضد انقلاب می‌دانند چه‌کسانی هستند اینها اغلب همان‌کسانی هستند که در رادیو تلویزیون سخنرانی می‌کنند و بعد از گفتن چند جوک مثل علی‌بابای زمان شاه و بعد شروع می‌کنند و مسائل کارگری می‌گویند که هرکس شورا یا سندیکا تشکیل دهد ضد انقلاب است و یا می‌گویند مگر دولت

این نامه يك کارگر است که مانند صدها هزار کارگر دیگر بر اثر بیکاری گرفتار فقر و تنگدستی است. در حالیکه دولت میلیاردها ریال به سرمایه‌داران کمک می‌کند و قرارداد های خرید اسلحه از آمریکا را ابقا می‌کند. کمترین توجهی به توده‌های میهن مانعی‌شود و هنوز تعدادی از کارگران در بیکاری بسر می‌برند. من بعنوان يك کارگر این نامه را برای شما می‌نویسم: نمی‌دانم از کجا شروع کنم مدت ده ماه است که از کار اخراج شده‌ام در طول این مدت رنجها و دردها کشیده‌ام درست است که آم باید در برابر هر سختی مبارزه کندولی



کارگران شرکت های حفاری:

خواستار مصادره کامل دکلهای و تأسیسات حفاری شرکت های خارجی هستند

● از خروج دکلهای حفاری که با پول و عرق ما خریداری شده است جلوگیری کنیم

بعد از انقلاب شوهند خلق های ایران، شرکت های امپریالیستی چون منافع خود را در خطر دیدند بعد از سالها غارت ثروت های ایران با شتاب طبق يك برنامه حساب شده با همکاری عناصر مرتجع داخلی که ماهیتشان برهه روشن است، درحال خارج کردن وسائل خود از کشور هستند که به احتمال زیاد تاکنون چند دکل حفاری با تمام تجهیزات از کشور خارج شده این شرکتها با کارگران محروم و زحمتکش مانند بردگان اجیر شده رفتار می‌کردند و حال هم با وجود ملی شدن صنایع وابسته و استعصاری (البته در حرف) بهر شکلی که به نفع آنهاست، کارگران را اخراج و سرگردان می‌کنند و شرکت ملی و دولت به اصطلاح انقلابی هم هیچ مسئولیتی در قبال آنها که قبول نمی‌کند هیچ، تازه از صاحبان این صنایع امپریالیستی حمایت هم می‌کنند. وقت این کارگران برای احقاق حق خود اجتماع می‌کنند با سربازها پاسداران متفرق می‌شوند حال این کارگران در این شرایط سخت که مملکت دچار رکود اقتصادی و تورم می‌باشد چه کار باید بکنند معلوم نیست. برهه واضح است که این شرکت های چابوگر چند برابر قیمت دکلهای خود ثروت از این مملکت خارج کرده‌اند و با کمک رژیم سابق تا آنجا که توانسته‌اند خونزحمتکاران را میکشیدند و استشارشان کرده‌اند، شاهد این گتتها کارگرانی هستند که در زیر طاقت

نامه يك کارگر کوره پزخانه:

برای سرکوب کارگران اعتصابی آنها را به جرم اخلاگری بازداشت می‌کنند

رفقای کارگر اگر ما کسی به اطراف بنگریم می‌بینیم که چگونه عوامل وابسته به کافر ستم و خود کافر می‌مانند ما را استعمار می‌کنند. یعنی روزی ۱۷ ساعت کار را به ما تحمیل کرده مارا از وسایل بهداشتی - سکن - پوشاک - خوراک و غیره محروم کردند با وجود این ناراحتی باز ما می‌خواهیم برای مدت بیشتری در دست آنها اسیر باشیم و برای آنها جان خود را از دست بدهیم. اما من می‌خواهم بدانم که یکبارچه مارا استعمارکنند. آن بهرمان چند نفر از رفقای کارگر در حدود ۴ روز است که دست از کار کشیدیم و علت اینکار همین نکردن دستزن ما از طرف کارفرما بود. و ما چندین بار به کارفرما گفته‌ایم که باید دستزن مارا تعیین کنند ولی کارفرما هنوز جواب قاطعی نداده است. به همین علت ما در تبریز به کمیته امام و اداره کار و امور اجتماعی مراجعه کردیم ولی آنها هم بما جواب ندادند و گفتند که شما کارگران باید زیاد کار کنید و در پایان سال که میزان کار شما معلوم شد دستزن شما داده خواهد شد. ولی ما در جواب گفتیم که ما کارگران کوره پزخانه ما روزی ۱۷ ساعت کار می‌کنیم و باید حق ما تعیین شود. ما این همه کار می‌کنیم و زحمت می‌کنیم چرا باید در پایان سال دستزن ما را بدهند. او گفت اگر شما روزی ۲ و یا ۳ ساعت کار بکنید در حال شما زیاد اثر نمی‌کند و متورم واقع نمی‌شود و اگر در روز يك ساعت هم بکنید به اندازه همان يك ساعت پول نمیگیرید. من

نامه يك کارگر کشفاب:

«میخواهند از مذهب بعنوان سپرپوش بر روی استثمار و دزدیهای خود استفاده کنند»

اسلام به مومنان عزیز و به امید روزی که بتوانیم امپریالیسم و نوسکران آن را از سخته گیتی بهزباله‌دان تاریخ انداخته و خلق های زحمتکش را از چنگال استثمار زلوفت رها کنیم و زندگی نوینی را در شرایط مساوات و برابری برقرار نماییم. من کارگر کشفاب یکی از کارگاههای کشفابی خیابان ظهیرالاسلام هستم. چند ماه پیش اتفاقی در اطراف کارگاهمان افتاد که تعریف آن برای کارگران و هم میهنان دیگر بیفایده نخواهد بود و نیز گوشه‌ای از استثمارهای سرمایه‌داری را که بر کارگران می‌رود نشان خواهد داد.

يك روز که مشغول کار بودم متوجه سرو صدایی از بیرون کارگاه شدم. در بیرون کارگاه زنی که کارگر کارخانه توسکا بود فریاد می‌زد و کمک می‌خواست و فریاد می‌زد «بجاش بخیند، بیهوده را کشتند» من و چند تن دیگر خود را به بیرون کارگاه توسکا رساندیم سخته خیلی ناراحت کننده‌ای را مشاهده کردیم صاحبان کارگاه حسین وطنی و روح‌الله تهرانی یکی از کارگرهای بافنده خود را به زیر مش و لگد انداخته و می‌زنند. ما کارگر را از چنگ آنها بیرون آوردیم و با خود از کارگاه بیرون بردیم. از کارگر پرسیدیم که برای چه دعوا کرده‌ای او که سروسوزنش ورم کرده بود. با چشمانی که اشک در آنها حلقه زده بود گفت: برای اینکه زور می‌گویند، من کارگر کارمزم یعنی به تعداد کاری که تولید می‌کنم مزد میگیرم. بعد از شش هفت ماه بیکاری تازه دو هفته است که مشغول کار شده‌ام امروز يك واحد مواد نبع آوردند و بمن گفتند برو کار کن مواد را بپار بالا. من در جواب گفتم من کارگر کارمزم و اگر بروم کارم می‌ماند. آنها هم ناراحت شدند و ریختند سرم و تاکم زدند. بعد از گفتن این حرفها سرش را پائین انداخت و رفت. تا اینکه چندی پیش او را در ایستگاه اتوبوس دیدیم. پرسیدم چیکار کردی گفت از کارگاه بیرونم کردند. و گفتم می‌خواستی شکایت کنی. گفت کی به کیه. هیچکس بداد آدم نمی‌رسد. رفتمشکایت کردم. گفتند برو دوماه دیگر بیا. نمی‌تونم پارسی بازی کردی یا رشودا دهنی؟ بعد فهمیدم احتیاج به رشود دادن و پارسی بازی نیست. کشته‌ها و دولت از آنها دفاع می‌کنند. خلاصه دوماه بعد رفتن و بجای رسیدگی می‌خواستند محکوم بکنند و دوباره گفتند برو دوماه دیگر بیا. از او پرسیدم کار پیدا کردی گفت: کار گیر نمی‌آید. باز پرسیدم زن و بچه‌داری گفت: بله زن و بچه دارم در همین وقت اتوبوس رسید و او در حالیکه پلرف اتوبوس میرفت گفت: این کمیونتها راست می‌گویند. پرسیدم چرا؟ او گفت: آخر می‌نویس کانی مثل وطنی و تهرانی از مذهب سوءاستفاده می‌کنند و می‌خواهند مذهب را بعنوان سپرپوش بر روی استثمار و دزدیهای خود استفاده کنند. و بعد از گفتن این حرف سوار اتوبوس شد و رفت.

مراجعات مکرر به کمیته بنا گفته‌اند که هنوز موقع این کارها نیست. در دیلم نیز کسه شهری است با تقریباً دوازده تا سیزده هزار نفر جمعیت. مردم آن از اسفالت و آذوقه محرومند و آب آن نیز پنج روزی یکبار می‌آید. آنها برای چند ساعت بازمی‌شود. شاخه‌دندان را جای آنها قرار دهید، چطور میتوان در چنین آب و هوایی آنها را تابستان و با وجودی که شاید ۳۵ درصد مردم آن از این حقم محرومند چطور میتوان سیرانقلابی داشت و دم برنیارود، و بسیاری خواستهای دیگر...

به امید پیروزیمان

نامه‌ای از بندر دیلم:

گذشت پنج ماه از قیام، اکثر دهقانان از داشتن زمین محرومند

سلام رفقا ما از فرسنگها دور بنیدیم. این نامه را من از بندر دیلم شهری گرم و سرزمین کار و خون می‌نویسم. نمی‌دانم چه بگویم و از کجا آغاز کنم ولی بهرحال خطاب را به شما دارم. با این که پنج ماه از انقلاب می‌گذرد و اکثر دهقانان و کشاورزان این منطقه از داشتن زمین محرومند و بقول یکی از دهقانان ۲۵ درصد زمینهای ما متعلق به کسانی است که در کارهای اداری و در شهرهای دیگر بسر می‌برند. وهما نظری که در رژیم سابق بنا اجازه کار در آنها را نمی‌دادند امروز نیز بسا می‌گویند که حق کار کردن در این زمینها را ندارند و بسا

جواب به نامه‌ها

رفیقای نامه‌ای برایمان نوشته و از ما خواست که نامه‌اش را بنا بدلالی چاپ کنیم او نامه‌اش را با عبارت «به نام دهقانان بنیدیم» کارگر و پیشانی چروکیده دهقان که هر دو نشان رنج است» آغاز کرده از مشکلات و مسائل خود و خانواده‌اش سخن گفته است البته همه مسائلی که او بازگو کرده تنها مسائل و مشکلات شخصی او نیست بلکه بیان زندگی واقعی میلیونها دختر نظیر او در نظام طبقاتی کنونی است. دختران و زنان زحمتکش میهنمان لهتها مانند سایر برادرانشان تحت ستم و استثمار هستند بلکه تحت ستم بیشتری به خاطر زن بودنشان نیز می‌باشند. زنان از حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برابر با مردان برخوردار نیستند و هواره تحقیر می‌شوند. پدر رفیقای که نامه نوشته است نیکگدارد او کتابخانه کند و باو می‌گوید «چون تو نان خور من هستی باید عقاید من را داشته باشی» که نشانه تحقیر فکری پدر او می‌باشد اگر قرار بود همه فرزندان مانند پدرانمان فکر کنند آتوقف جامعه از پیشرفت و تکامل باز می‌مانند. البته رفیق نویسنده نامه بدستی این مطلب را دریافته است که نباید تنها بفکر خودش باشد و فقط خود را از مشکلات برهاند بلکه باید همه جامعه از قید مصلب و بدبختیها و ستم و استثمار رها شود تا او نیز مشکلات حل گردد. و به این نتیجه رسیده است که: «میدانم شما نمی‌توانید بمن یک نفر کمک کنید تنها وقتی این ممکن می‌شود که ما به جامعه سوسیالیستی و پس از آن به جامعه کمونیستی برسیم و من دلم می‌خواهد در راه این هدف مبارزه کنم و آری می‌خواهم مبارزه کنم»

تشکیل اتحادیه سراسری شوراهای کارخانجات سازمان گسترش

● سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران ۱۳۵ کارخانه و شرکت با ۲۵ هزار کارگر و کارمند را زیر پوشش دارد ● بررسی قراردادهای سازمان گسترش با موسسات خارجی و داخلی، میزان سرمایه‌گذاریها، ایجاد صندوق مشترک اعصابات و

کلیه بدیهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و دیگر



نقد و بررسی گزارشی از اعتصاب... بقیه از صفحه ۴

واکنشی نشان نمی‌دهند. کارگران که با بی‌اعتنایی بی‌شمار روپرو شده‌اند در جلوی در ورودی حرکت به تکیه‌های می‌پردازند و از ورود و خروج کامیونها جهت پارکینگ جلوگیری می‌کنند. نماینده استاندارد خوزستان و فرماندار خرمشهر ضمن تأیید اعتصابات به آنها قول رسیدگی می‌دهند. روحانیون محلی در ملاقات با کارگران به آنها در مورد نفوذ اجانب هشدار می‌دهند. دولت برای فرسایش کارگران مدیرعامل شرکت را عوض می‌کند. مدیر عامل جدید خود را مجاهد و انقلابی می‌زند. ولی کارگران او را افشا می‌کنند. مرتجعین محلی و عوامل پیمانکار دست به تبلیغات وسیعی بر علیه کارگران می‌زنند و علیرغم تأیید خواست کارگران از جانب مقامات مسئول، راندن و تلویشیون به پیش‌آخبار دروغین و تحریک‌آمیز بر علیه کارگران دست می‌زنند. چهار و بازرگانان برای حفظ منافع خود کارگر روزمره استخدام می‌کنند و توسط آنها پارکینگ و تخلیه کالا را شروع می‌کنند. در طول اعتصاب، کارکنان پیشکام خرمشهر، کارگران پرومویی آذادان و کارگران و کارمندان انبارهای عمومی خرمشهر ضمن تأیید اعتصاب کارگران اعلام همبستگی می‌کنند. در این روزها مخالفت دولت با حقوق خودمختاری، خلقی و توسعه سازمان یافته مرتجعین محلی و عمال اجیرانیسم وضع خرمشهر را بحرانی می‌کند. بدینجهت کارگران که دوپار اعلام راهپیمایی کرده بودند، سر بار پهلایل وضع ناآرام شهر و امکان سوء استفاده از این عمل، در جهت وارونگی دادن حقایق، از تصمیم خود منصرف می‌شوند. در حالیکه در شهر عناصر مرتجع از جمله عرب و عجم برای منحرف کردن مبارزات زحمتکشان استفاده می‌کنند. کارگران محتمل با بی‌بردن بهماهیت نقایف‌افکنانه اینگونه تبلیغات می‌گویند: «هرپ و عجم هیچ فرقی ندارند. یک روز در نغمه، ترک و کرد را بجان هم می‌اندازند و مردم را به کشتار یکدیگر وادار می‌کنند. امروز مسئله عرب و عجم را در خرمشهر علم کرده‌اند. اینجا همان کسان هستند که می‌ترسند منابع ثروتشان را از دست بدهند. مارا می‌خواهند بجان هم بیاورند. خیلی باید هشدار باشیم. ما همه با هم برادریم. با هنان چه عجمی عرب را می‌زنند که عجم را. عرب و عجم هر دو بیگ صورت و خیلی وحشیانه اشتباه می‌شوند پس باید دست در دست هم به مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ادامه دهیم».

بعد از ظهر روز بیست و سوم دونگهبان در ورودی شرکت به قتل می‌رسند. ما کشته شدن نگهبانان، درگیری شروع می‌شود. در این زمان کارگران اجباراً محتمل را شکسته و شرکت را ترک می‌کنند. بعد از گذشت ۳۶ روز از شروع اعتصاب، با عادی‌تر شدن اوضاع شهر و بازگشت کارگران به محل کار خود نمایندگان کارگران درمناظره با فرماندار به توافق رسیدند که کارگران با حفظ خواستهای خود بر سر کار برگردند. گزارش حاوی مطالبی درباره «بررسی علل بازگشت بکار» «نظری به اعتصاب» نیز هست. ولی از آن جا که قصد بررسی و نقد حرکت کارگران است از فکر آن مطالب خودداری می‌کنیم و بسنقد و بررسی آن می‌پردازیم:

الف: در قسمتی از گزارش که ما بر آن تأکید کرده‌ایم این عبارات نوشته شده است: «از آنجا که در شرکت ایران ترمینال تولید و توزیع و فروش بهیچوجه مطرح نیست... و از آنجا که ارتباط پیوسته بین کارگران این شرکت به خاطر ویژگی کار پرانگیز آنها، بوده، شورا نمی‌توانست پاسخگویی مشکلات کارگران در سطح وسیع باشد».

درین عبارات دو دلیل برای رد شورا ذکر شده است که هر دو غلط است.

۱ - تولیدی نبودن شرکت: اولاً: شوراها بهیچوجه مخصوص واحد های تولیدی نیست. ثانیاً: میدانیم که مشکل عمده اکثر کارخانجات تولیدی (مثلاً کارخانه ایلیان) اولاً: تهیه مواد اولیه کارخانه است (که اکثر هم از خارج وارد می‌شود) و ثانیاً:

توضیح...

در شماره قبل نشریه کار سندی در مورد شرکت روینگ اندلیتی آورده شده بود که این سند اشتباه چاپ شده بود. در واقع سندی که به عنوان حقوق ماهانه کارکنان توجه کرده‌اند

نحوه برگزاری انتخابات مجلس «خبرگان» نیز گامی دیگر در جهت پایداری کردن حقوق دمکراتیک...

۲ - دومین جنبه شد دمکراتیک نحوه انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی استانی کردن حوزه‌های انتخاباتی بود. با این ترتیب استانی مثل تهران را با ۵ میلیون نفر جمعیت یک حوزه فرض کردند و برای آن ده نماینده قرار دادند و یا استان ۵-۳ میلیون نفری مازندران را یک حوزه در نظر گرفتند و برای آن ۵ نماینده تعیین کردند. به این ترتیب حقوق مردم محلی و خلقی را بشدت پایمال کرده و امکان نمایندگی آنها را از بین بردند. فعلاً همین استان مازندران را در نظر بگیریم. این استان مطابق تقسیم‌بندی کشوری شامل منطقه خلقی ترکمن صحرا نیز می‌شود که از نظر خصوصیات ملی و قومی کاملاً با سایر ساکنین مازندران تفاوت دارند. پرواضح است که خلق ترکمن خوستار آن بود که نمایندگان خود را به مجلس بررسی قانون اساسی بفرستد و این حق مسلم آنهاست. اما با این ترتیبی که داده شد و خلق ۸۵۰ هزار نفری ترکمن جزو استان مازندران با ۲۵ میلیون جمعیت به حساب آمد علاوه بر راه یافتن نمایندگان خلق ترکمن را به مجلس خبرگان گرفتند. در حالیکه اگر منطقه ترکمن صحرا یک حوزه محسوب می‌شد و یا انتخابات بر اساس شهرستانها بود، و خلق ترکمن بطور طبیعی می‌توانست در همین مجلس، با همین شرایط دونمایندگی خود را به مجلس بفرستد.

۱ - اولین جنبه شد دمکراتیک لایحه انتخابات مجلس باصلاح خبرگان تصدات نمایندگان این مجلس است.

هیئت حاکمه تصدات باصلاح نمایندگان این مجلس را ۷۳ نفر تعیین کردند (البته در قانون تصدات آراء ۷۵ نفر نوشته ولی وقتی نمایندگان هر حوزه انتخابیه را تعیین کردند جمعا به ۳۳ نفر کاهش یافت) در حالیکه تصدات نمایندگان مجلس شورایی که قوانین عادی را تصویب می‌کند ۲۷۵ نفر است. و مجلس تنظیم و تصویب کننده قانون اساسی مادرتمام قوانین است باید نمایندگان برابر بیشتر می‌داشت. علت آهم اینست که نمایندگان اقتدار وسیع‌تری از مردم در تعیین سرنوشت خود یعنی تنظیم قانون اساسی میهنشان شرکت کنند. حتی در رژیم سابق هم مقرر شده بود که برای تدوین قانون اساسی یا تفسیر آن تصدات نمایندگان مجلس موسسان باید پانزده مجموع نمایندگان مجلس شورای و مجلس سنا باشد. ما قبلاً پیشنهاد کرده بودیم که باید پانزده نفر از ۵۰ هزار نفر یکتفر نماینده به مجلس تنظیم کننده قانون اساسی برود و در اینصورت تصدات نمایندگان پیش از ۷۵۰ نفر می‌شد. اما هیئت حاکمه تصدات نمایندگان مجلس تنظیم کننده قانون اساسی را به یکتفر آنچه باید باشد تقلیل داد. یعنی پانزده نفر نیم میلیون نفر یک نماینده!!

۳ - سومین اشکال لایحه انتخابات مقرررات مربوط به تشکیل هیئت نظارت بر انتخابات و نحوه عملکرد آن بود. این مقرررات طوری

تنظیم شد که عملاً نمایندگان کارگران را زحمتکشان و نیروهای انقلابی جامعه در آن شرکت داده نشدند. نقش مقامات دولتی در اینجانبها مانند گذشته بسیار زیاد بود و حتی در موارد بسیاری این نقش افزون‌تر شده بود. همه اختیارات در دست هیئت اجرایی بود که عبارت بودند از فرماندار، رئیس عالیترین دادگاه استان، مدیر کل آموزش و پرورش، مدیر کل هیئت اجرایی و پست و نرس از روحانیون محل. باین ترتیب روشن بود که روال انتخابات بود کاندیداهای حزب حاکم سوق داده خواهد شد:

۴ - چهارمین مورد نقض آزادی مردم در انتخابات نحوه رای گیری بود. به موجب ماده ۳۳ قانون انتخابات مجلس خبرگان، نوشتن رای باید در محل حوزه صورت می‌گرفت. با توجه اینکه اکثریت مردم ایران بیسوادند و نمیتوانند رای خود را خود بنویسند و با توجه بهجو حاکم بجزو جیت رای گیری که در اختیار دولت و حزب بود حاکم بود و گروه های فشار و انحصارطلبان در آنجا همه‌کاره بودند. چگونه یک فرد بیسواد می‌توانست رای مورد نظر خود را نوشته و به صندوق اندازد.

وقتی مردم میدیدند هر روزه گروه‌های فشار در همجا اعلامیه های معرفی کاندیداهای غیر وابسته به حکومت و حزب حاکم را پاره کرده و توزیع کنندگان را به کتیکتعمای بردن می‌دادند چگونه می‌توانستند از همین عوامل اختناق و فشار بخواهند نام کاندیداهای مورد علاقه خود را بنویسند. باین ترتیب ملاحظه می‌شود که چگونه قدرت حاکم با این شیوه غیر دمکراتیک اولاً منعی بودن رای را از بین برده ثانیاً عملاً مردم را از دادن رای به کاندیدای واقعی خود باز داشت.

موارد فوق نشان می‌دهد که هیئت حاکمه به روشی و سوز و کلکی متوسل شد تا قانون اساسی دلخواه خود را که منافع سرمایه‌داران را تثبیت کرده و کوچکترین حقی برای کارگران، دهقانان و زحمتکشان از حلقهای ایران قائل نیست سرهم‌بندی کند. از چنین مجلس باصلاح خبرگان، معلوم است که چگونه قانونی بیرون خواهد آمد. بقول معروف بیه دیدگ بیه چشند.

۱۴ مرداد یاد آور انقلاب مشروطه بقیه از صفحه ۱

سوری و رفیق سلمی اجتماعی گردید. حکومت مستقل ملی در ایران بوجود نیامد. استثمارچیان همچنان این کشور را مورد بهره‌برداری اقتصادی و سیاسی قرار دادند. ثوادلیم‌پرویی شد و مهمترین مسئله اقتصادی یعنی سیستم اقتصادی فئودالی پارچه بانه هدفهای انقلاب مشروطیت مطابق با عقماندگی اجتماعی و اقتصادی ایران ناقص و نارسا بود. و هنان هدفهای ناقص نیز تحقق نیافت. (مضم ۳۳۲)

اگر چه انقلاب دمکراتیک ایران در ۷۳ سال قبل بهدفعای خود نرسید. عقیم ماند و شکست خورد، اما تجربه‌های سخت، خونین و گرانبها بود که در سهای بسیار رزندیسی برای جنبش انقلابی ایران باقی گذاشت. درس‌هایی که توجه بدانها لاقلم می‌تواند از تکرار آنها جلوگیری کند.

یادآوری همه این درسها درین مختصر امکان پذیر نیست. تنها می‌توان از برجسته‌ترین آنها یاد کرد:

- ۱ - سکوت و بی‌توجهی نسبت بهخلع سلاح مجاهدین. درین مورد اگرچه ستارخان ایبه سردار دلاور ملی مقاومت کرد و تا بدنان حکم در نپذیرفتن خلع سلاح ایستادگی نمود که پایش را نیز از دست داد، اما دیگر رهبران و تومعهای مردم چندان توجهی بدان نکردند و عملاً خود را در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی بی‌سلاح و ناتوان کردند.

۲ - پذیرش کارشناسان و مستشاران خارجی برای سرواسان دادن و ایجاد ادارات جدید دولتی و بخصوص تقویت ارتش که نمره آن پرورش ماری چون رضاخان بود.

۳ - سکوت و بی‌توجهی نسبت بهخلع سلاح مجاهدین. درین مورد اگرچه ستارخان ایبه سردار دلاور ملی مقاومت کرد و تا بدنان حکم در نپذیرفتن خلع سلاح ایستادگی نمود که پایش را نیز از دست داد، اما دیگر رهبران و تومعهای مردم چندان توجهی بدان نکردند و عملاً خود را در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی بی‌سلاح و ناتوان کردند.

۴ - سکوت و بی‌توجهی نسبت بهخلع سلاح مجاهدین. درین مورد اگرچه ستارخان ایبه سردار دلاور ملی مقاومت کرد و تا بدنان حکم در نپذیرفتن خلع سلاح ایستادگی نمود که پایش را نیز از دست داد، اما دیگر رهبران و تومعهای مردم چندان توجهی بدان نکردند و عملاً خود را در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی بی‌سلاح و ناتوان کردند.

۵ - سکوت و بی‌توجهی نسبت بهخلع سلاح مجاهدین. درین مورد اگرچه ستارخان ایبه سردار دلاور ملی مقاومت کرد و تا بدنان حکم در نپذیرفتن خلع سلاح ایستادگی نمود که پایش را نیز از دست داد، اما دیگر رهبران و تومعهای مردم چندان توجهی بدان نکردند و عملاً خود را در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی بی‌سلاح و ناتوان کردند.

۶ - سکوت و بی‌توجهی نسبت بهخلع سلاح مجاهدین. درین مورد اگرچه ستارخان ایبه سردار دلاور ملی مقاومت کرد و تا بدنان حکم در نپذیرفتن خلع سلاح ایستادگی نمود که پایش را نیز از دست داد، اما دیگر رهبران و تومعهای مردم چندان توجهی بدان نکردند و عملاً خود را در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی بی‌سلاح و ناتوان کردند.

۷ - سکوت و بی‌توجهی نسبت بهخلع سلاح مجاهدین. درین مورد اگرچه ستارخان ایبه سردار دلاور ملی مقاومت کرد و تا بدنان حکم در نپذیرفتن خلع سلاح ایستادگی نمود که پایش را نیز از دست داد، اما دیگر رهبران و تومعهای مردم چندان توجهی بدان نکردند و عملاً خود را در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی بی‌سلاح و ناتوان کردند.

۸ - سکوت و بی‌توجهی نسبت بهخلع سلاح مجاهدین. درین مورد اگرچه ستارخان ایبه سردار دلاور ملی مقاومت کرد و تا بدنان حکم در نپذیرفتن خلع سلاح ایستادگی نمود که پایش را نیز از دست داد، اما دیگر رهبران و تومعهای مردم چندان توجهی بدان نکردند و عملاً خود را در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی بی‌سلاح و ناتوان کردند.

زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

سیاست دولت در میروان

بقیه از صفحه ۱

درست پاسداران باشد از چه چیز ناشی می-شود؟ به نظر ما بی اعتدالی و بیاطمینانی مردم است که این مسئله را پیش می کشد. چه کسانی از مردم میترسند؟

آیا دولتی که در جهت منافع مردم گام بردارد از مردم میترسد؟ مردم میروان حاضر به زندگی منتقار در زیر چادر بدون دکتر و دارو هستند و حاضر نیستند زیر سلطه پاسداران سرکوبگر و ارتش دست نخورده و بازسازی شده بروند. در این مدت دولت هیچگونه کمکی به آنها ننموده است. هیئت اجرائی دولت آیتالله لاهوتی، سرهنگشیرینی معاون فرمانده ارتش، مقدسی از طرف وزارت کشور پاشاه ۳ نفر از فرماندهان پاسداران اجرائی هم میروان و فرمانده پادگان سرگرد شیبانی در نشتی که در ۲۷ مرداد ۵۸ در میروان با شورای موقت شهر داشتند نتوانستند به توافقی برسند.

هیئت اجرائی هنوز حاضر به قبول پیشنهاد منطقی و اصولی شورای موقت شهر نشده است. شورای موقت شهر پیشنهاد میروان می نماید: ۱- در وحله اول خروج پاسداران از پادگان و مراجعت به محل استقرار قبلی خود. ۲- تشکیل شورای شهر

۳- تشکیل شهربانی زیر نظر شورای شهر و تشکیل دادگاه انقلابی و آزاد نمودن اسرا تکرار خواستهای قبلی ارتش و پاسداران توسط هیئت اجرائی نیز مورد قبول شورای موقت انقلابی میروان قرار نگرفت. معارضان پیشنهادی بدین شرح است:

۱- ارتش نظامات شهر را بدست گرفته و پاسداران در پادگان بمانند.

۲- با اینکه نصف از مردم و نصف از پاسداران این کار را انجام دهد ولی همچنانکه در بالا ذکر شد هیچگونه توافقی صورت نگرفت - مردم حاضر به قبول زور و تسلیم شدن از جانب ارتش و پاسداران نیستند و از طرف دیگر آنها حاضر به قبول حاکمیت مردم بر سرکوبش خویش نمیباشند. آنچه مسلم است دولت راه حل واقعی ارائه نخواهد داد ولی بهرحال از هرکامی برای فریب مردم استفاده خواهد کرد. هتیار میروان و پاسداران پادگان آنها که در شورای موقت شهر متبلور است میتواند با ایستادگی در مقابل زور و فشار و انشاء فریکارهای طرف خذاکره حداقل امتیاز را به نفع مردم که همانا کنترل امور شهر بدست مردم باشد تامین نماید. از سوی دیگر سیاست دولت در کردستان در صدد گسترش قدرت نظامی و استقرار پادگان در شهر و شهرکی است. مشخصا پادگانهای دست نخورده آرمیروان را با اعزام گردانهای تانک و پشتیبانی و... تقویت می نماید. پادگانهای شهرهای مرکزی ایران را تخلیه کرده و کردستان را به پادگانهای بزرگ تبدیل کرده اند. متر نظامیان را با حلالی از قبیل کردها و تجزیه طلبی، «کردستان کمونیست است» و نیروهای شیطان حاکم شده اند، پر کرده اند. بدین ترتیب نظامیانی درینده و وحشی را بجان مردم می اندازند. چنان تبلیغات کیفی و ضد خلق براه انداختند که پاسداران می پندارند هرکس می خواهد شهید شود و بهیشت سبیش گردد باید به کردستان برود!

دولت در مدت خیلی کمتر از آن مدتی که نیروهای مترقی فکر میکردند ماهیت خود را آشکار گردانید. نشان داد که حامی چه کسی و حافظ منافع چه طبقه ای است ولی دولت يك مسئله را باید در نظر بگیرد، تا

مسئله آوارگان و رسیدگی به وضع اسفناک آنها بعمل نیآورده بلکه مرتجعین وابسته به دولت و مقاماتی که میخواهند حتی به قیمت کشتار مردم، نظرات ضد انقلابی خود را پیش برند به فرمانده پادگان و باصلاح سران پاسداران که معلوم نیست اینان چه موقع و از طرف کدام نیرو پاسدار شده اند فشار می آورند که در بدست گرفتن کنترل شهر اصرار نمایند پاسداران را تحریک کرده و برای رفتن به شهر تشویق می نمایند. ولی اکثر سربازان و درجه داران ام از کرد و فارس تمایل رو در روئی با مردم را ندارند و حتی بر رفتن پاسداران بداخل شهر نیز آشکارا اعتراض کرده اند.

یکبار کلیبی معاون استاندار کردستان به میروان رفته بود تا زمینه مذاکره برای بازسازی بین شورای موقت انقلاب میروان و ارتش و پاسداران مستقر در پادگان میروان را فراهم سازد که از طرف پاسداران مورد اعتراض قرار گرفته و او را بیرون می کنند، چون راه برای از نظراتش برخلاف نظر آنها بود استاندار انتصابی جدید کردستان، بیگانه با تمامی واقیتهای تلخ وضعیت میروان در اولین مساجحه روزنامه ای خود گفت: «اگر کوچک دست جمعی میروانها صحت داشته باشد احتمالاً قدرتی در کار است که اینگونه آنها را به تحریک واداشته است.»

آقای استاندار، وقتی مردم شهری در معرض یورش کانی قسرا قرار میگیرند که در مقابل پول همه چیز را فدا می کنند و در هر نقطه از میهنان درگیری پیش آید با کمال میل رودر روی خلق می-ایستند علاوه بر اینها آنان کانی باشند که خود حیات دولت بوده و بوسیله ارتش سر-کوبگر تقویت شده، این خود بهترین عامل محرکه برای کوچ مردم بشار می آید. بظن ما زود نتیجه گیری کردن استاندار درست در این رابطه شکل میگیرد که ایشان را از قبل بپندآوری پاسانداری کردستان انتصاب کرده اند. استاندار جدید نه آسایش شتاب درستی از آنچه که میگذرد به قضاوت پرداخته است.

بلکه از قبل پذیرفته است نیروهای مرموز مردم فریب (بزم ایشان) در منطقه توطئه میکنند و آقای استاندار میخواهند با شمشیر چوبین به جنگ دشمن خیالی بنشاند. و در شرایطی که کردستان آهسته حوادت تلخ و چابکدستی از انتصاب چنین شخص که هیچ نمو اطلاعی از مسائل ندارد، نتواننددند اوج توطئه ای است که مقامات برای کردستان تدارک دیده اند و به درستی بیانگر عدم توجه دولت به خواستها و مسائل خلق کرد است.

دولت می پندارد هرکس کرد باشد میتواند در کردستان میروان آلت دست و مجری برنامه های دولتی باشد. باید بدولت گفت: «ضاد خلق کرد» نهاد شیشه سستی ویا نهاد کرد و غیر کرد نیست، آنچه که مردم ما را رسج میدهد استشار و غارت بیشرمانه مسترین آن هاست وستم باید ملنی که اجازه رشد آزادانه را به زحمتکشان کرد نداده است.

مردم میروان اکنون چند روز است بز اثر فشار ارتش و پاسداران، خانه و زندگی خود را رها کرده در کوهها و دهات اطراف آواره شده اند اما حاضر نیستند زیر بار زور بروند. آنها میگویند ما امنیت و حفاظت شهر را خود عهده دار می شویم ولی ارتش و پاسداران اصرار دارند که باید خودشان این امر را بپذیرد. آیا این همه اصرار برای اینکه کنترل



خواستهای اهالی سیف آباد، الله آباد و علی آباد

- ۸- تأسیس کودکتان برای روستاهای مورد بحث.
- ۹- آسفالت راه ایرانشهر - چهاربار از طریق لشار.
- ۱۰- توزیع خوار و بار و موادخوراکی بقیمت ارزان از طریق تشکیل فروشگاههای تعاونی و یا فروشندگیهای سیار.
- ۱۱- تمثیب و مجازات سربسردگان رژیم پهلوی و تصفیه ادارات و سازمانهای دولتی از افراد فاسد و ضد مردم.
- ۱۲- استفاده اصولی از ماشین آلات پایگاه کارک در جهت اجرای طرحهای عمرانی در روستاها با کمک مستقیم مردم.
- در ضمن ما خواهان خودمختاری بلوچستان در چهارچوب ایرانی آزاد و مستقل میباشیم و تجزیه طلبی را بپذیر نمی و بهر شکل از طرف هرکس مطرح شود شدیداً محکوم میکنیم.
- شورای ده سیف آباد، الله آباد، علی آباد از توابع ایرانشهر ۵۸۳۲۲

چرا نظامیان آزادیخواه کرمانشاه

دستگیر و زندانی شدند

پهلوی نیز یکی از آن دستگاهانی است که ستم طبقاتی بین اقشار تشکیل دهنده آن پدیدار میکند. حاکمیت بیچون و چرای «درجه» که در نتیجه خوش خدمتی و مزدوری به فرماندهان رده بالای آن اعطا شده و میشود عاملی بوده و اکنون نیز میباشد که موجب پیدایش انطباقی خشک و اطاعتی کورکورانه شده و یکی از عوامل مؤثر در نابودی استبدادها و با نتیجه تبدیل ارتش به ارتشی ضد خلقی محسوب میشود. پس از قیام، آغاز پائینی و تحت ستم این سازمان سنی سربازان و درجه داران و افسران جزء به این دلشوش بودند که دیگر از ستم امراء و سرهنگان و «تجارت بالای ارتش خلاص شده و ارتش ملی جمهوری اسلامی ایران به ارتشی مردمی و ملی تبدیل خواهد شد. اما از همان آغاز بنا به سیاست طبقاتی دولت. فریاد سربازان و درجه داران و افسران جزء موثر واقع نشد و جرح ارتش جمهوری اسلامی روی همان محور ارتش شاهنشاهی شروع به گردش نمود. دیری نگذشت که همان فرماندهان مزدور و جان نثاران شاهنشاه و همان عاملان کشتار مردم بر منتهای فرماندهی تکیه زدند و جاسوسان ضد اطلاعات با همکاری مستقیم کوردل و منجیبی نهادهای داخل پادگانها شروع به تهیه گزارش و شکار پرسنل مترقی نمودند و هر حرکت آزادیخواهانه ای با برچسب ضد انقلاب و برج کشیدن تفنگهای پاسداران و لومین های فاشیست تهدید به سرکوبی و خفتان گردید.

خبرهای رسیده از پادگان شماره ۲ لشکر ۸۱ زرهی حاکی است که سرهنگ زهرمود رئیس ستاد لشکر خرم آباد و همکار صمیمی سرتیپ آذری معروف پس از آنکه توسط پرسنل لشکر خرم آباد پلنت چنانچه ای که در طول انقلاب مرتکب شده طرد میگردد به کرمانشاه منتقل و به فرماندهی پادگان فسوق منسوب میگردد. نام برده پس از این انتصاب ناچار با تهدید و ارعاب شروع به برقراری همان شرایط مینماید که در طول بیست و چند سال خدمت خیانتبار یادگرفته و در تاریخ ۱۵ مرداد در جواب اعتراض مستعجلی پرسنل در سر میبگناه با کلماتی همچون مادر... ها، پشه... ها و جلق و... به کلیه پرسنل مستقر

زمانیکه حقوق کارگران و زحمتکشان تامین نشود، تا زمانیکه حقوق خلقها مبنی بر تمییز حق سرشود و بدست آوردن خود مختاری تامین نشود خلقها از مبارزه باز نخواهند ایستاد هرگونه خشونت و سرکوب خلقها برای اعمال سطره و ادامه استعمارشکلی عمل خدایدتری را از جانب تودمها نشان خواهد داد و این چنین تاریخ است که سرمایه داران گورکن خود را پرورش میدهند.

و اما کارگران و زحمتکشان پیروز مردم زحمتکش میروان باید هشیار باشند در انتقادات شورای شهر اشتباهات نیروهای مترقی را در مورد شورای شهر سنجد تکرار نکنند، سی کنند کاندیداهای مردمی را هر چه بیشتر برای مردم معرفی نمایند و تلاش نمایند از نفوذ عناصر شناخته شده و ضد مردمی در درون شورا جلوگیری نمایند و در نهایت انتقادات شورا را در محیطی کاملاً دمکراتیک برگزار نمایند و از تقلب عناصر فرصت طلب مانع شود تا شورای را بپوچد آورد که در جهت خواستها و نیازهای مردم حرکت نماید نه در جهت سیاستهای دولت، در حقیقت شورا باید ارگان اجرائی مردم باشد نه زائنده ای از ادارات دولتی که وظیفه اش سرشوش نهادن با احتیاجات و نیازهای مردم باشد و اقدامات شد مردمی دولت را بپوچیه کند.

شورا باید متمسک کننده نظرات مردم و تابع نظرات آنها باشد نه اینکه خود به پنهانی به مرجع تصمیم گیری تبدیل شود و تصمیمهای اتخاذ شده نیز بر ضد مردم و نیروهای مترقی باشد. اولین تجربه شورای شهر در ایران، شورای شهر سنجد بود، اگر چنانکه شورای انقلابی و مترقی بود می توانست الگوی برای تمامی شهرهای ایران حساب آید ولی عملکرد آن طی مدت چند ماه خلاف آنرا ثابت نمود. باشد که شورای شهر میروان، شورای انقلابی و با شرکت تمامی نیروهای مترقی و پیشرو مردمی بوجود آید تا جوابگوی حداقل نیازهای مردم باشد.

اکنون در این مرحله از تاریخ مبارزاتمان امپریالیسم و ارتجاع سی دره نابودی کثایند بپای می دست آوردهای انقلاب پرشکوهمندان دارند آنها از کوچکترین امکانات برای تحکیم مواضع ست شده خود استفاده میکنند. از کانهای تیرک و تفرقه گرفته تا استفاده از نیروهای سرکوبگر برای خواباندن شور انقلابی تودمها استفاده مینمایند آنها با استفاده از ناآگاهی، برخی از نیروهای مردم را رودر روی هم قرار میدهند، با پیش کشیدن مسائل جزئی و اختلافات درون خلقی مبارزات مردم را با تصرف میکشاند و مسیر اصلی مبارزه را که همانا باید بر طبقه امپریالیسم و وابستگی ادامه یابد منحرف می نمایند. اما وظیفه تمامی نیروهای انقلابی باید بیشتر تر کرده صفوف خود در مقابل هیئت حرمیان و وابستگان امپریالیسم در جهت اثنا ماهیت توطئه گران و استشارگران وسی در نابودی تمامی نهادهای اقتصادی و اجتماعی نظام وابسته و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر باشد.

صفوف متحد کارگران و زحمتکشان شهر و روستا است که امپریالیسم را در تمامی سنگرها نابود خواهد کرد.

نابود باد توطئه ها و وسیعهای ارتجاع و امپریالیسم

فترده تر باد صفوف خلقهای تحت ستم نابود باد امپریالیسم و ارتجاع داخلی

رفقا و هموطنان مبارز

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

تهران - بلوار کشاورز، خیابان دهمک (میکند سابق) ستاد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران.

تلفن: ۵۹۹۹۹۹ (مجات مراجعه و تلفن بستاند از ساعت ۴ الی ۸ عصر)

آدرس: پانکی - تهران، پانک ملسی ایران شعبه دانشگاه، شماره حساب ۳۳۵۸

بنام عباس فضیلت کلام.

از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم پیش پانکی کمکهای مالی خود را که به پانک واریز شده است مستقیماً برای ستاد ارسال نمایند.

شماره حساب اموال - ۲۹۹۲ - پانک تهران شعبه مرکز محمد ابراهیم اکبری

هجوم عاملان ارتجاع به اجتماع مردم شبستر

شبستر - روز چهارشنبه ۵۸۳۲۲۰ بهنگام نمایش فیلم «دانشکده های من» (اثر ماکسیم گورکی) گروهی اغلالگر مرتجع بمالسن نمایش فیلم هجوم می آورد و با حیاسیت تمدادی از مامورین کمیته بهشتکتن سنطلی ها و ضرب و جرح تماشاچیان میبردازند. سپس مامورین مبلغ چند نفر از هواداران را که از قبل شناسائی کرده بودند بازداشتی کنند. طی این مدت دفتر هواداران سازمان نیز مورد هجوم قرار گرفته و مقداری پول و اعلامیه

شلاق بخاطر پخش اعلامیه

اسفهان - روز ۲۶ تیرماه دو دانش آموز اسفهان، هنگام پخش اعلامیه ای که آتش زدن مزارع و کتاها و روزنامه های نیروهای مترقی را محکوم می کرد، مورد حمله سریشیان

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



بقیه سرمقاله

مهندس بازرگان ابقاء قراردادهای...

بقیه از صفحه ۱

نظامی، سیاسی و فرهنگی با امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا منعقد کرده است، تنها در خدمت منافع امپریالیسم است.

کدام قرارداد اقتصادی و یا نظامی رژیم میتواند بفتح مردم مین ما باشد؟ چگونه انعقاد قراردادهای چند میلیارد دلاری برای خرید تسلیحات بفتح مردم بوده است؟ کدام قرارداد اقتصادی در جهت منافع خلق و پیشرفت اقتصادی مین ما با امپریالیستها منعقد شده است؟

دولت بازرگان دقیقا در راهی گام بر میدارد که مین ما را هر چه بیشتر وابسته کند، اگر چه این بود میبایست بعنوان اولین گام انقلابی در رابطه وابستگی همه قراردادهای اسارت بار با امپریالیستها را ملغی کند و نه اینکه استدلال کند که دولت بخاطر رونق اقتصادی مجبور است طرحهای اقتصادی امپریالیستها را در ایران اجرا کند، وابستگی صنایع را همچنان حفظ کند و در حقیقت سیاست اعمال وابستگی هر چه بیشتر اقتصادی را دنبال کند.

در مورد خرید تسلیحات از آمریکا و ابقاء قراردادهای نظامی نیز استدلال دولت پوچ و عوامفریبانه است، اولاً با این سیاست نه تنها هیچ گامی در جهت قطع وابستگی نظامی برداشته نشده است، بلکه وابستگی را هر چه بیشتر تثبیت می کند، دولت بازرگان و یا هر دولت دیگری نظیر بازرگان نامروز بلکه همیشه میتواند استدلال کند که چون سلاحهای ارتش آمریکائی اند، پس باید مستشاران آمریکائی را با انوش باز پذیرفت، قطعات یدکی و مهمات خرید و سلاحهای فرسوده را تجدید کرد و در نهایت ارتش آلت دست امپریالیسم آمریکا باشد.

ثانیاً - اگر دولتی سیاستهای تجاوزکارانه نداشته باشد، اگر دولتی آنچنان مردمی باشد که احتیاجی به فائتوم و توپ و تانک برای سرکوب خلقهای مین ما نداشته باشد، چه احتیاجی به سلاحهای تهاجمی دارد که بازم از حیث نظامی با امپریالیسم آمریکا وابسته باشد و اگر دولتی به توده های مردم متکی باشد و مورد تجاوز قرار گیرد، همانطور که در ویتنام و کشور های دیگر نشان داده شد، اراده خلیل نا پذیر کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان با ابتدائی ترین سلاحها، پوزه امپریالیسم را با پیشرفته ترین سلاحهایش بکاخ خواهد مالید. پس اگر دولت بازرگان ابقاء قراردادهای نظامی را توجیه می کند، این از ماهیت دولت اواناشی می شود.

مهندس بازرگان در بخش دیگری از صحبت خود می گوید: «اگر [قراردادها] را ادامه ندهیم به ضررمان خواهد بود و در دنیا هم «عهد شکن» و «بییمان شکن» تلقی می شویم. ضمن آنکه طرف هم جریمه را تا آخر از ما خواهد گرفت و ما هم از سرمایه گذارهای هبگفت این طرحها محروم میمانیم.» (نقل از اطلاعات پنجشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۵۸)

بازرگان ناشیانه استدلال می کند که اگر ما قراردادهای را ابقا کنیم در دنیا بعنوان «عهد شکن» و «بییمان شکن» تلقی می شویم. آیا این عهد و بییمان را شاه مزدور با امپریالیستها بسته است یا مردم ما؟ مگر انعقاد این قراردادهای از جانب رژیم سرنگون شده شاه با امپریالیستها از نظر مردم ما غیر قانونی نبوده است؟ مگر مردم رژیم را که این قراردادهای اسارت بار را با امپریالیستها منعقد کرده، بگور نبردند و عملاً تمام اقدامات این رژیم را بی اعتبار اعلام نکردند؟

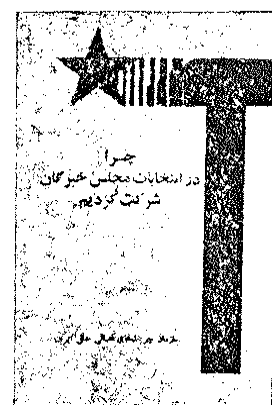
پس بازرگان چه حقی دارد با این بهانه قراردادهای را ابقا کند؟ شاید که بازرگان میخواهد عهد و بییمان شاه را محترم بدارد! بهتر است آقای بازرگان صریح حرف بزند، دنبال توجیه و تفسیر نگردد و بگوید که برای خدمت به سرمایه داری، وابستگی هر چه بیشتر مملکت به امپریالیستها و زمینه سازی برای غارت مین ما این قراردادهای را ابقا می کند.

آقای بازرگان شما باید هم نگران باشید. زیرا اگر قراردادهای ابقا نشود منافع شما و سرمایه داران دیگر بطور خواهد افتاد. دیگر امپریالیستها نمی توانند سرمایه گذارهای هبگفت بکنند تا همی هم از این غارت نصیب سرمایه داران وابسته داخلی شود. اما مطمئناً خلقهای مبارز مین ما بخوبی میدانند که سرمایه گذارهای امپریالیستها و ابقاء قراردادهای بازرگان مملکت ما را عرصه غارت امپریالیستها و سرمایه داران وابسته داخلی خواهد کرد و بهر دولتی که در راه وابستگی مین ما گام بردارد، پاسخ دندان شکنی خواهند داد.

مردم میخواهند که رسماً همه قراردادهای که رژیم سابق با امپریالیستها منعقد ساخته اند و با دولت بازرگان آنها را ابقا کرده است منسوخ شوند تا بدانند که پس از شهادت دهها هزار نفر از فرزندان راستین خلق و مبارزه دشوار و طولانی مردم ما دولت بازرگان چه بر سر مملکت می آورد، نه اینکه تنها پس از افشای چند سند، در نشریه کار، در تلویزیون ظاهر شود و به توجیه ابقاء این قراردادهای بپردازد. مردم میخواهند بدانند که مستشاران آمریکائی در ایران چه می کنند، و بازگشت دسته دسته جاسوسان سیا، و مستشاران آمریکائی به منظور و طبق چه قرار و مدارهاست دولت باید قراردادهای مندرج در پیوست دو، و نیز قراردادهای مندرج در پیوست یک سند شماره ۱۳۳۸ م - ۵۸۴۳۵ را رسماً منسوخ کند، تا مردم از محتوی این قراردادهای که با ابقا شده اند و یا تحت بررسی هستند آگاه شوند. هر گونه پرده پوشی و هر گونه انعقاد و یا ابقاء قراردادهای با امپریالیستها بخیانت بتوده های مردم است.

معرفی کتابهای جدیدی که سازمان منتشر کرده است

نشریه کار در نظر دارد، از این پس هر هفته کتابهایی را که سازمان منتشر می کند، معرفی نماید. بخشی از این کتابها بوسیله هواداران ما ترجمه شده است و بخشی دیگر توسط خود سازمان، ترجمه و تالیف گردیده است.



عنوان کتاب	مؤلف	تاریخ انتشار
سرمایه داری و دولت	م. بازرگان	۱۳۵۸
چرا در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کردیم	م. بازرگان	۱۳۵۸
...

فقط لیست ده نفری در کنار صندوقها...

بقیه از صفحه ۱

- در بعضی حوزه ها، شناسنامه های رای دهندگان را مهر نمی زدند و در بعضی دیگر هر نوع کارت شناسایی را هم می پذیرفتند.
- در یک حوزه، صندوق رای دو دریاچه داشت یک آراء مذهبی ها و یک دریاچه برای شیرو مذهبی ها.
- رای افراد بی سواد را مسئولین حوزه ها به میل خود می نوشتند.

این حال از یک رای هم نمی گذشتند. در حوزه های رای گیری بهر نیرنگ و حیله ای متوسل می شدند تا رای یک بیسواد یا یک رای دهنده را که نیاز به مشورت دارد، بگیرند. حتی بعضی از «افراد مامور» سرک می کشیدند تا رای منفی رای دهنده را بخوانند، بعضی از آنها حتی تذکر هم می دادند.

در یکی از حوزه های شهر ری ماموران خیال خودشان را راحت کرده بودند، برای صندوق رای دو دریاچه گذاشته بودند تا آرای اسلامی از غیر اسلامی جدا شود. (حتمالاً برای اینکه اگر تعداد آرای رفقای ما بیشتر بود صندوق را سر به نیست کنند، همچنانکه در چند حوزه اینکار را کردند و با رای اینکه رای دهنده را تحت فشار قرار دهند و یا شناسایی کنند...)

این اعمال و اعمال مشابه آنچنان «ناشیانه» انجام می گرفت که برای هر ناظر بی طرفی «قلای بودن» انتخابات روشن بود. آری، انتخابات مجلس خبرگان مخدوش و غیر دموکراتیک بود. این انتخابات یکبار دیگر نشان داد که حاکمیت موجود برخلاف ادعای همیشگی اش که نیروهای مترقی را نیم درصد و یک درصد به حساب می آورد، خوب می داند این نیروها در میان مردم آنچنان پایگانی دارند که بتوانند در یک انتخابات دموکراتیک و عادلانه آرای قابل توجهی بدمت آورند. دقیقاً در این رابطه است که همه امکانات بسیج شده بود تا این نیروها تحت فشار گذاشته شوند و آرای مردم عادی بوسیله افراد مامور در حوزه های رای گیری به کیسه «ده» ما در مطالب زیر به ذکر چند نمونه از صدها نمونه ای که بطور موقی دریافت داشته ایم اشاره می کنیم:

● در بیشتر حوزه های رای گیری فقط پوستر ها و بیانیتهای مربوط به دفتر وجود داشت و به کسانیکه میخواستند در آخرین لحظه رای بنویسند لیست ده نفری داده می شد.

● در شعبه ۷۴۵ منطقه ۹ خیابان ناصر خسرو بعضی از شناسنامه ها را مهر نمی زدند. در مقابل اعتراض چند تن از مردم، مامور کمیته که کارت وزارت کشور داشت با لحن خاصی گفت: «اشکالی ندارد، اسلام پیروز است»

● در حوزه رای گیری شماره ۱۱۸ خیابان زنجان از بعضی رای دهندگان آدرس و نشانی می گرفتند.

● در شعبه ۳۶۹ خیابان نظام آباد، سرپرست افراد مسلح که تازه از راه رسیده بود به بازرسی رای گیری که نماینده سازمان نیز در میان آنها بود گفت «هیچکس حق دخالت و نظارت ندارد، من خودم هستم».

● در چند حوزه رای گیری که نمایندگان سازمان حضور داشتند، مراقبت بیشتری بود و در مواردی از نمایندگان سازمان میخواستند که سکوت کنند.

● در حوزه مسجد حسین واقع در قزوین میخواستند بنام یکی از بازرشهای زن که چادر سرش بود، ورقه رای بگیرند. وقتی اعتراض کرد منهم به مخالفت با اسلام شد.

● در یکی از حوزه های رای گیری شناسنامه یک پسر جوان را که به وجود لیست ده نفری در حوزه رای گیری اعتراض کرده بود گرفتند و گفتند حق نداری رای بدهی.

● به یک پسر مرد که در حوزه جوادیه می خواست فقط به آیت الله طالقانی رای بدهد (از طرف رئیس حوزه بنام شیخ خلیلی طباطبائی) گفته شد حتما باید به دفتر رای بدهی. وقتی پسر مرد که کارگر چیت سازی بود اعتراض کرد، یکی از ماموران رای گیری ورقه را گرفت و اسامی ۹ نفر دیگر را در ورقه نوشت.

● در حوزه های رای گیری جنوب شهر چند مرد وزن جوان آرای بیسوادان را از روی لیست ده نفری می نوشتند و به دستشان می دادند.

● مردم جنوب شهر می گفتند ما در دو مشکل زیاد داریم و به ما گفته اند که این دفتر تنها کسانی هستند که می توانند مشکلات شما را حل کنند.

● در مسجد بنی هاشم واقع در خیابان خاوران یک کارگر که سواد نداشت از مامور انتخابات خواست که برایش اسامی کاندیداهای فدایی را بنویسد. کارگر اسامی را می گفت ولی مامور چیز دیگری می نوشت.

● یکی از مسئولان رای گیری حوزه ۱۱۱۲ را که نسبت به پوستر تبلیغاتی ده نفر در محله رای

بفرمان امام کرده ای اسلامی با هم اختلاف کردند و نمایندگان مجلس خبرگان خود را در آستان تهران اعلام میدارد

۱- آیت الله حسینعلی منتظری
۲- آیت الله سید محمود طالقانی
۳- حاجت الاسلام دکتر سید محمد حسین یثربی
۴- حاجت الاسلام سید محمد اکرم موسوی اردبیلی
۵- حاجت الاسلام دکتر علی گلزاده شفقوری
۶- خانم منیره گرجی
۷- استاد ابوالحسن بنی صدر
۸- دکتر عباس شیبانی
۹- علی محمد عرب (کارگر)
۱۰- مهندس عزت الله سجایی

در روز رای این اسامی را همراه داشته باشید

جامعه روحانیت بازار تهران - مدرسه حوزه علمیه قم
حزب جمهوری اسلامی - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - انجمن اسلامی علماء ایران
سازمان فدراسلام - گروه انجمن ائمه اربعه اتحادیه انجمنهای اسلامی شهری - جنبش مسلمانان هبگفت - فدائیان اسلام
اصناف بازار تهران

تکثیر از تبلیغات انجمن فرهنگ اسلامی

شعبه ۱- فرهنگ جنب مسجد اعظم
شعبه ۲- خیابان پاسداران تهران
شعبه ۳- خیابان خراسان

در روز رای این اسامی را همراه داشته باشید

بفرمان امام کرده ای اسلامی با هم اختلاف کردند و نمایندگان مجلس خبرگان خود را در آستان تهران اعلام میدارد

۱- آیت الله حسینعلی منتظری
۲- آیت الله سید محمود طالقانی
۳- حاجت الاسلام دکتر سید محمد حسین یثربی
۴- حاجت الاسلام سید محمد اکرم موسوی اردبیلی
۵- حاجت الاسلام دکتر علی گلزاده شفقوری
۶- خانم منیره گرجی
۷- استاد ابوالحسن بنی صدر
۸- دکتر عباس شیبانی
۹- علی محمد عرب (کارگر)
۱۰- مهندس عزت الله سجایی

جامعه روحانیت بازار تهران - مدرسه حوزه علمیه قم
حزب جمهوری اسلامی - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - انجمن اسلامی علماء ایران
سازمان فدراسلام - گروه انجمن ائمه اربعه اتحادیه انجمنهای اسلامی شهری - جنبش مسلمانان هبگفت - فدائیان اسلام
اصناف بازار تهران

توجه هر يك نفر باید ده نفر را انتخاب نماید

حق تعیین سر نوشت خلق ها ضامن وحدت و یکپارچگی است

نقد و بررسی گزارشی از اعتصاب کارگران ایران ترمینال - خرمشهر

دانشجویان پیشگام آبادان در تاریخ پانزدهم تیرماه جزوه‌سی بنام «گزارشی از اعتصاب کارگران ایران ترمینال» منتشر کردند، درین جزوه وضع شرکت و جریان مبارزات گذشته و بخصوص اعتصاب اخیر این شرکت گزارش شده است. این اعتصاب در اثر وضع بحرانی منطقه تشکله شد. گزارش ضمن آنکه دارای نکات بسیار با ارزش و قابل تأکیدی است، دارای ضحکها و اشتباهاتی نیز هست. این ضحکها بیشتر ناشی از درک رهبران اعتصاب بوده است که عیناً به حرکت کارگران و نیز در گزارش منتقل شده است. قصد این نقد و بررسی آن است که ضمن بازگویی و تأکید بر نتایج مثبت حرکت کارگران، نقاط ضعف آن را نیز مورد توجه قرار گیرد:

شرکت ایران ترمینال در سال ۱۳۵۴ با سرمایه‌گذاری غلامرضا پهلوی، فریده دیبا و سه آمریکایی تأسیس شد. این شرکت از مهمترین شرکت‌هایی است که در خرمشهر به تخلیه و بارگیری کالا مشغول است. تعداد کارگران شرکت ۱۳۳۵ نفر است که عموماً کرد و عرب می‌باشند که بدنبال اصلاحات ارضی بشهر سرازیر شده‌اند. مزد روزانه کارگران با روزی ۱۴ ساعت کار از ۴۹ تا ۵۸ تومان است. کارگران این شرکت در مهرماه سال گذشته با اوج‌گیری اعتراضات کارگران سراسر کشور، برای اولین بار با طرح‌خواستهای اقتصادی و رفاهی، اعتصاب کردند و بعد از

سرویز بخوابتهای خود رسیدند. در جریان قیام نیز کارگران همراه با کارکنان بنسدر خرمشهر اعتصاب کردند. درین زمان مدیر عامل شرکت بدنبال فرار تمدادی از اربابان سرسپرده‌اش از کشور خارج میشود و دولت موقت مدیرعامل جدیدی برای شرکت انتخاب میکند.

مدیر عامل که از وابستگی دربار پهلوی بود، کوشش مذبحخانه‌یی را برای استعمار بیشتر کارگران و زحمتکشان بندر آغاز کرد. نتیجه این کوشش، ایجاد دفتر حضور و غیاب بود.

گروهی از بارشماران خواستار حذف این دفتر شدند و بالاخره موفق شدند این دفتر را از بین ببرند.

بدنبال این پیروزی کارگران و بارشماران پیشرو شرکت از بقیه دعوت کردند که شورائی منتخب از نمایندگان انبارها، اسکله‌ها و محوطه‌های دیگر اداره تشکیل شود. پیگیری آنها نتیجه داد و یک هفته بعد شورا تشکیل شد. از اقدامات موفقیت‌آمیز شورا کاهش ساعات کار به ۹ ساعت، گرفتن حق شیفت و دوام عیدی و پاداش بود.

در «گزارش» بدنبال این دستاوردها نوشته شده است: «از آنجا که در شرکت ایران ترمینال تولید و توزیع و فروش بهیچوجه مطرح نیست و این شرکت کسب و تخلیه و بارگیری را انجام میدهد و از آنجا که

ارتباط پیوسته بین کارگران این شرکت بخاطر ویژگی کار پراکنده آنها، نبوده، شورا نمیتوانست پاسخگوی مشکلات کارگران در سطح وسیع باشد.

بدین جهت نمایندگان، کارگران و بارشماران را دعوت به گروه‌هایی نمودند و پس از توضیح ضرورت تشکیل سندیکا همگسی بتوافق رسیدند که سندیکای کارکنان شرکت ایران ترمینال را بوجود آورند. در انتهای هفته ۱۳۵۵ نفر بصورت سندیکا درآمد بودند. کارگران برای رسیدن بخوابتهای خود که استخدام رسمی بود، ابتدا بمقامات مسئول مراجعه میکنند ولی خواست بر حق آنان از طرف مدیر عامل اداره بندر خرمشهر رد میشود. درین شرایط کارگران پی‌پی‌برند که مبارزه راه دیگری می‌طلبند بنابراین از تاریخ هفده اردیبهشت اعتصاب میکنند.

کارگران در توضیح علت اعتصاب چنین می‌گویند: «ما برای پیمانکار کار نمی‌کنیم، میخواهیم ارزش حاصل از کار ما مستقیماً به‌مسندوق دولت بروند تا خرج رفاه و آسایش مردم بشود نه اینکه پیمانکار دسترنج ما را در بهترین نقاط دنیا صرف عیاشی و خوشگذرانی کند. پس این عمل ما در رابطه با قطع دست پیمانکار و در جهت تحکیم دولت موقت است. باید سازمان بنادر بما پاسخ مثبت بدهد، مقامات مسئول در مقابل اعتصاب کارگران بقیه در صفحه ۵



اعتراض به نحوه شرکت مسیحیان در انتخابات مجلس خبرگان

هسولطان مسیحی ما حق رای دادن فقط به یک کاندیدا را داشتند و این باعث ناراحتی و اعتراض آنها به برگزار کنندگان انتخابات مجلس خبرگان شد. یکی از این هسولطان خود، نامه کوتاهی به سازمان ما نوشته و در آن گفته است:

چریکهای فدائی خلق ایران من یک فرد مسیحی و از طرف افراد مسیحی حرف می‌میزانم. حرف من این است که موقتی که ما (مسیحیها) میخواهیم رای بدهیم از طرف هیات نظارت به ما اعلام کردند که ما فقط میتوانیم یک نفر رای بدهیم آهم به یک ارمنی و دیگری حق نداریم به کاندیداهای دیگر رای بدهیم

پیروزی کارگران کارخانه پوشش در تثبیت ۴۰ ساعت کار در هفته

کیلان - تحمن نمایندگان کارگران کارخانه پوشش برای بازس گرفتن دستنزد خویش که توسط مدیر عامل مزدور این کارخانه بنام زال بعثت عملی شدن ۴۰ سال کار از جانب کارگران ضبط شده بود، با گرفتن دستنزد بطور کامل، پایان یافت.

تبریز کارخانه‌های کبریت سازی و دربارهای از مناطق دیگر هم اکنون این خواست کارگران با مبارزه پی‌گیر خودشان عملی شده است. خواست ۴۰ ساعت کار در هفته اینک عملاً بصورت یک خواست عمومی طبقه کارگر درآمد است. اکنون این شوال برای بسیاری از کارگران پیش آمده است که چرا در حالیکه کارگران پیش آمده‌اند که چرا در حالیکه ساعت در هفته مبارزه می‌کنند ۴۰ ساعت کار در هفته در بسیاری از کشورها برسمیت شناخته شده است. دولت موقت این خواست کارگران را برسمیت نمی‌شناسد؟ مگر حتی در کشورهای سرمایه‌داری قانون کار ۴۰ ساعت کار در هفته را نپذیرفته‌اند؟ هنگامی که دولت کنونی حتی از پذیرش این خواست کارگران سرباز می‌زند. راهی که برای کارگران باقی میماند اینست که خودشان بشکل انقلابی آنرا بمرحله عمل درآورند، مثلاً در همین شماره نشریه کارخبری داریم در مورد کارگران کارخانه پوشش که بیش از ۴۰ ساعت کار نکردند، و آخر ماه نیز حقوق خود را بطور کامل گرفتند. همه کارگران باید از کارگران کارخانه پوشش و کارخانه‌های دیگری که ۴۰ ساعت کار در هفته را با قدرت عملی کرده‌اند بیاموزند. کارگران مبارز ما برای کاستن از بار استعمار، برای داشتن وقت استراحت بیشتر و بالا بردن سطح آگاهی و فرهنگ خود پی‌گیرانه خواست ۴۰ ساعت کار در هفته را عملی خواهند کرد. عملی شدن ۴۰ ساعت کار در هفته هم چنین باعث می‌شود که تمدادی از کارگران بیچار نیز بکار مشغول شوند.

کارگران خواهان ۴۰ ساعت کار در هفته هستند

هشت ساعت کار را بعنوان حدقانونی کارروزیه در آلمان پیشنهاد کرد، واقدمات وسیعی در این جهت از سوی اتحادیه‌های کارگری صورت گرفت. انترناسیونال دوم نیز اولیاً مه روز هفتگی کارگران سراسر جهان را در همین حال بعنوان روزی معین کرد که کارگران باید برای هشت ساعت کار مبارزه کنند تا سرانجام در اثر مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر ۸ ساعت کار روزانه در سطح جهانی برسمیت شناخته شد. این مبارزه طبقه کارگر برای کاهش ساعات کار همچنان ادامه یافت تا اینکه در سالهای پس از جنگ جهانی دوم ۴۰ ساعت کار در هفته در کشورهای اروپایی عملی گردید و امروزه طبقه کارگر اروپا برای ۳۵ ساعت کار در هفته مبارزه می‌کند و ما خبر آن را در چند شماره قبل آوردیم.

در ایران نیز طبقه کارگر، مبارزه خود را برای کاهش ساعات کار ادامه داد. در سال های بین ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۵ یکی از خواسته‌های کارگران برسمیت شناخته شدن ۸ ساعت کار روزانه بود که در سال ۱۳۲۵ بتصویب رسید. امروز گرچه هنوز هم در بسیاری موارد این اصل رعایت نمی‌شود و در پارهای از مناطق ساعات کار روزانه به ۱۵ تا ۱۲ ساعت نیز می‌رسد، اما طبقه کارگر ما بخصوص همراه با اوج‌گیری مبارزه‌ای که منجر به سرنگونی رژیم شاه شد، خواست ۴۰ ساعت کار در هفته را مطرح کرده است. گرچه سرمایه‌داران و دولت حامی آنها تاکنون باین خواست برحق کارگران توجهی نکرده‌اند و آنرا برسمیت نشناخته‌اند، اما کارگران در برخی از کارخانه ها بشکل انقلابی آنرا بمرحله عمل درآورده‌اند و حد قانونی کار ۴۰ ساعت در هفته را تثبیت کرده‌اند. در رشت بیش از ۱۳ کارخانه، در

مبارزه کارگران برای کاهش ساعات کار همواره بخشی از مبارزه طبقه کارگر بوده است. این مبارزه از همان آغاز پیدایش سرمایه‌داری که سرمایه‌داران ۱۶ تا ۱۸ ساعت کارگران را به کار وامی‌داشتند تا امروز ادامه دارد. سرمایه‌داران بنظور استعمار هرچه بیشتر کارگران سی می‌کنند که ساعات کار را طولانی کنند تا سود بیشتری ببرند، اما در عوض یکی از خواسته‌های کارگران نیز همیشه کاهش ساعات کار بوده است.

در آغاز پیدایش سرمایه‌داری، کارگران که زیر بار کار روزانه ۱۴، ۱۶ و یا حتی ۱۸ ساعت قرارداد شدند تقاضای ۱۵ ساعت کار را داشتند و برای این منظور دست به تشکیل اتحادیه‌ها ویراء انداختن اعتصابات و تظاهرات زدند. تا بالاخره موفق شدند خواست ۱۵ ساعت کار را عملی سازند.

همراه با تنکلی و آگاهی طبقه کارگر و مبارزات پی‌گیر آن بخصوص در نیمه دوم قرن نوزدهم، خواست تثبیت هشت ساعت کار در روز مطرح شد و بزودی تبدیل به یک جنبش جهانی برای ۸ ساعت کار روزانه شد. در همه کشورهای سرمایه‌داری مبارزه وسیعی از سوی طبقه کارگر برای عملی کردن این خواست آغاز شد. مبارزه‌ای که در بسیاری موارد حتی منجر به کشته شدن، اعدام و بازداشت تمدادی از کارگران گردید. مثلاً در پی اعتصابات و تظاهرات شکوهمند کارگران آمریکائی در اول ماه مه ۱۸۸۶ که یکی از خواسته‌های اساسی آن ثبت ۸ ساعت کار روزانه بود، تمدادی از کارگران که مورد یورش پلیس قرار گرفته بودند، کشته شدند.

قبلاً بین الملل (انترناسیونال) اول کارگری

چه کسانی می‌خواهند در صنایع فولاد برادر کشی راه بیندازند

دوستان و برادران کارگر: وقایع تکاندهنده‌ای که چند روز گذشته از طرف عناصر غیر مسئول و مغرض در کارخانه ما اتفاق افتاده، بدون شك دنباله توطئه‌هایی است که بر علیه کارگران مبارز و آگاه در کلیه کارخانه‌ها باجرا درآمده است. یگروز در کارخانه نورد و روز دیگر در نوب‌آهن اصفهان و دهها نمونه دیگر که کارگران بخوبی نسبت به آنها آگاهند. اینها همه این شوال را برای ما کارگران پیش آورده که برآستی این توطئه‌ها از آستین چه کسانی بیرون می‌آید؟

تفرقه در صفوف کارگران و ایجاد دوستگی در میان ما به نفع چه کسانی تمام میشود؟ بدون شك این کارگران نیستند که چنین توطئه‌هایی را طرح ریزی میکنند، بلکه این دشمنان قسم خورده طبقه کارگر - یعنی سرمایه‌داران و عوامل وابسته و سر سپرده آنها - که امروز سی دارند، پیروزی‌هایی را که کارگران به قیمت خون هزاران شهید و ماهها مبارزه در میان خون و آتش به چنگ آورده‌اند از دستشان بشیرمانه خارج سازند. وقایع اتفاق افتاده در چند روزه اخیر در کارخانه ما، تنها تک‌برده‌ای از نمایش شوم ضد کارگری سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و جیره‌خواران آنهاست.

و «دفاعی» خود فروش که با مصطلح نماینده کارگران میباشد، بخوبی میداند که با ناسند مزدورش چگونه این توطئه را رهبری کند. او و دایره دست‌اش که آبی از منافع سرمایه‌داران دزد و مفتخور کارخانه غافل نمی‌مانند، کارگران را ابتدا به بهانه حقل‌طلبی و لنو جریبه (در برابر هر روز غیبت یک ساعت و نیم جریبه) جمع نموده و سپس با مهارت، توطئه از پیش طرح شده را بمرحله اجرا درمی‌آورد.

و تمجیب‌آوردنیست که مبارزترین و فداکارترین دوست کارگران - یعنی ناصر خاکسار - هدف اصلی چنین نسیمه ناجوانمردانه‌ای قرار میگیرد. همکاریکه هر کارگر زحمتکش و رنج‌کشیده‌ای خود میتواند دهها نمونه از تلاشهای او را در جهت احقاق حقوق غصب شده کارگران بیاد بیاورد.

آری برادران کارگر، امروز مسافانه مسا به‌عوض اینکه شاهد اخراج کثیفترین مزدوران رژیم گذشته - که در کارخانه ما کم نیستند - باشیم شاهد اقدامات حیل‌گرانه و سیمی بر علیه پاکبازترین و مبارزترین همکاران خود هستیم.

مسلاً اینگونه اقدامات حیل‌گرانه به نفع

کارگران نیست و آلهائی که به چنین اقدامات مونیانه‌ای متوسل میشوند از کارگران نیستند. زیرا کارگران امروز قاطعانه خواستار بیرون انداختن جاسوسان، توطئه‌گران و مزدوران وابسته به رژیم سابق که هم‌اکنون در مسند قدرت قرار دارند، میباشد. آنها که در سایه نفوذ ارتجاع، دزدانه بسوی قدرت خزیده‌اند، باید هم امروز چماق سرکوب به‌نکارخانه سفارش بدهند بایندم از کارگران آگاه و رهبران اعتصابات پیشین، لیست سیاه تهیه کنند، باید ما با ایجاد دوستگی و تفرقه زمینه را برای آشوب و بزادر کشی بیسن کارگران فراهم کنند. و تمجیب می‌ندارد که این توطئه‌ها در شرایطی طرح میشود که کارگران بیش از هر زمان برای بوجود آوردن شوراها و سندیکاهای واقعی خود به یکپارچگی و وحدت نیاز دارند. نیروی ویژه (این جانشین خلف ساواک در کارخانه) نیز فقط و فقط برای تکمیل چنین دسیسه‌ها و اقدامات شومی است که تشکیل میشود.

همکاران مبارز:

همه بخوبی آگاهییم که ما کارگران با همدیگر هیچ اختلاف و کینه و ستیزی نداریم. اکثر ما کارگران همکار قدیمی هستیم، رنجها را باهم کشیده و پشت به پشت هم مبارزه کرده‌ایم، پای یک سفره غذا خورده و زیر یک ستم قرار گرفته‌ایم، و بالاخره از برکت وحدت و یکپارچگی‌مان بود که توانستیم به‌زباله‌دان تاریخ بیندازیم. پس این کدام نیروی پلید است که امروز قصد برهم‌زدن وحدت دشمن برانداز ما را دارد؟ کدام نیروی امریمنی است که امروز میخواهد برادر کشی را بر ما تحمیل کند؟ ما کارگران ستم‌دیده فولاد که در کوره اعتصابات و قیام آبدیده شده‌ایم، بخوبی از ماهیت این نیروی پلید و مرزه آگاهییم. سرمایه‌داران و خودفروشان کاسه‌لیس آنها - که محور اصلی چنین نیروی هستند - باید بدانند که اتحاد مقدس و آهنین ما کارگران با چنین تحریکاتی از هم نمی‌پاشد. آنها باید بدانند که خشم آهنین کارگران روزی دامن آلوده‌شان را خواهد گرفت و در زبانه‌های آتش خود خاکسترشان خواهد نمود.

برقرار باد وحدت دشمن براننداز کارگران
مرکز برجاسوسان، توطئه‌گران، و نفاق‌افکنان
کارگران پیشرو صنایع فولاد
۵۸۴۲۱۳

مورگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امریکا و وابستگی